



دفاع از مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه : رضوانی علی اصغر، 1341

عنوان و نام پدیدآور : دفاع از مهدویت / مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر : قم مسجد مقدس جمکران 1387.

مشخصات ظاهری : 88 ص.

فروست : سلسله مباحث مهدویت.

شابک : 8500 ریال 978-964-973-022-6 ؛ 6500 ریال (چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری

یادداشت : چاپ قبلی : مسجد مقدس جمکران 1385 (بدون فروست).

یادداشت : چاپ سوم : زمستان 1386.

یادداشت : چاپ پنجم.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : مهدویت



موضوع : مهدویت -- انتظار

شناسه افزوده : مسجد جمکران (قم)

رده بندی کنگره : BP224/4/ ر 55 د 7 1387

رده بندی دیویی : 462/297

شماره کتابشناسی ملی : 1320260

ص:1

اشاره

ص:2

ص:3

ص:4

فهرست مطالب

تصویر



ص:5

تصویر



ص:6

مقدمه ناشر

در عصر کنونی که دشمنان بشریت، افکار و عقاید انحرافی را در جامعه جهانی ترویج می کنند و منجی موعود واقعی را برای حیات و قدرت پوشالی و کاخ عنکبوتی خود خطرناک می دانند، درصدد ایجاد انحراف فرهنگی برآمده اند و با پوچ گرایی، جامعه بشری و اخلاق و رفتار نیکو را مورد تعرض قرار داده اند، بر آن شدیم تا حقیقت مهدویت را با سلسله مباحث مختصر منجی موعود برای مشتاقان علم و فضیلت عرضه نماییم.

امید است مورد توجه حضرت حقّ جلّ و علا قرار گیرد.

مدیر مسؤول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

ص:7

ص:8

پیشگفتار

با وجود ادله قطعی فراوان بر اصل قضیه مهدویت و اتفاق نه تنها امت اسلامی بلکه جمیع ادیان و مکاتب غیردینی بر ظهور منجی بشریت در آخرالزمان و آثار و فوایدی که بر آن مترتب می شود، مشاهده می کنیم که برخی از روشنفکران اسلامی به تبع از مستشرقین منکر اصل این قضیه مسلم برآمده اند.



اینک به توجیہات آن ها پرداخته و به طور کلی از همه آن ها پاسخ می گوئیم.

توجیه اوّل

گروهی بر این عقیده اند که اعتقاد به مهدویت در جامعه اسلامی نتیجه فشارهای سیاسی است که بر مستضعفین در جامعه اسلامی خصوصاً شیعی پدید آمده است.

1 - «فان فلوتن» می گوید: «جور و ستم دولت عباسیان از هنگام به حکومت رسیدن کمتر از دولت امویان نبوده است، این جور و ستم ها به حدّی بود که مستضعفین و مظلومین را بر آن واداشت تا خود را امیدوار کنند، لذا چاره ای ندیدند جز این که به عقیده مهدی و انتظار ظهورش دل ببندند، تا بتوانند از شدت تألمات روحی خود بکاهند...» (1)

ص: 9

1- 1. السیاده العربیه، ص 132.

2 - «دونالدسن» می گوید: «احتمال جدّی است که اختناق و فشارهای سیاسی که در مملکت اسلامی از طرف حاکمان بنی امیه پدید آمد از اسباب ظهور نظریه مهدویت در آخر الزمان بوده است» (1)

3 - «احمد امین مصری» می گوید: «عامل اساسی در پیدایش عقیده مهدویت نزد شیعه و اصرار بر آن، فشارهای سیاسی و مصایبی بود که بعد از شهادت امام علی علیه السلام و به حکومت رسیدن معاویه، با آن روبرو شدند. و این مصایب با بیعت حسن بن علی علیه السلام و پس از آن شهادت حسین بن علی علیه السلام و از هم پاشیده شدن حرکت های ضدّ اموی



و قوّت گرفتن شوکت و حکومت دولت امویین، شدّت گرفت. لذا درصدد برآمدند تا تاکتیک خود را تغییر داده از دعوت آشکار صرف نظر کرده، به دعوت سرّی برای ریشه کن کردن ظلم روی آورند. و به این نتیجه رسیدند که این دعوت بدون کوشش فراوان در مدتی طولانی ثمر نخواهد داد. لذا چاره ای ندیدند جز آنکه طرفداران خود را به نقطه ای امیدوار سازند، این امید همان امام غائب یا به تعبیر دیگر مهدی منتظر محمد بن حنفیه یا محمد بن حسن عسکری یا عیدالله مهدی، طبق اختلافاتی که در فرقه های شیعی است، بود»⁽²⁾.

4- «محمد عبدالکریم عتوم می گوید: «واقع آن است که عقیده به مهدی قبل از وقوع غیبت امام پدید آمده و پرورش پیدا کرد، و این به صورت دقیق در واقعه کربلا و بعد از تفرّق و تشتّت شیعه به توسط دولت اموی بوده است. این وضعیّت نابهنجار برای شیعه، زمینه را برای پذیرش عقیده مهدویت فراهم

ص: 10

1- 2. عقیده‌الشیعه، ص 231.

2- 3. ضحی الاسلام، ج 3، ص 241.

ساخت، تا آنان را از وضعیّت موجود نجات بخشد. در نتیجه آرزوی مهدویت آرزویی شیعی بود که اثر منفی در زندگانی شیعیان داشت، اگرچه آنان را از این وضعیّت موجود نجات می داد»⁽¹⁾.

توجیه دوم



برخی از مستشرقین معتقدند که این حالت یعنی انتظار نجات به توسط منجی مخصوص روحیه شرقی ها به طور عموم است، که اصل و اساس و حقیقتی ندارد.

«فان فلوتن» می گوید: «روحیه شرقی به طور عموم دائماً متمایل به خبرهای غیبی است و علاقه فراوانی به کشف پرده های غیبی از آینده مجهول دارد، لذا اعتقاد به مخلص به تعبیر آنان یا منقذ به تعبیر دیگر با طبیعت شرقی ملایمت و انس دارد. و این در نتیجه تاریکی های جهل و استبداد است که پدید آمده است...»⁽²⁾

توجیه سوم

برخی نیز معتقدند که عقیده به مهدی و مهدویت از افکاری است که از جوامع دیگر و اصول غیراسلامی وارد جامعه اسلامی شده است:

1 - «جولد زیهر» می گوید: «بازگشت عقیده به مهدی به اصول و مبانی

ص: 11

1- 4. النظرية السياسية المعاصرة للشيعة الامامية الاثني عشرية، ص 86.

2- 5. السيادة العربية و الشيعة و الاسرائيليات في عهد بني امية، فان فلوتن، ص 107.

غیر اسلامی است، و در حقیقت این عقیده از اسطوره ها و از امور غیرواقعی می باشد»⁽¹⁾.

2 - استاد دانشگاه الازهر «سعد محمد حسن» - شاگرد احمد امین - می گوید: «شیعه قدیمی ترین فرقه اسلامی است که به این نظریه خیالی عقیده پیدا کرده است»⁽²⁾.



3 - «سائح علی حسین» نویسنده لیبیایی می گوید: «عقیده و نظریه غیت عقیده ای است مشترک میان یهود و نصارا، و تأثیرپذیری فکر شیعی از این دو مصدر بعید نیست؛ زیرا بسیاری از غیرعرب و صاحبان ادیان و تمدن های پیشین، اسلام را تحت لواء شیعی انتخاب کردند، تا بتوانند در زیر پوشش حقوق اهل بیت علیهم السلام حکومت اسلامی را سست کنند، و پیشتاز آنان عبدالله بن سبا بود» (3).

4 - «دکتر عبدالرحمن بدوی» می گوید: «کعب الاحبار کسی بود که عقیده به مهدی منتظر را در بین مسلمین منتشر ساخت...» (4).

توجیه چهارم

برخی معتقدند که عقیده و نظریه مهدویت، ناشی از پیاده نشدن حکومت جهانی اسلام در عصر رسول اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

«دکتر سلمان بدور» - رئیس بخش فلسفه در دانشگاه اردن - در مورد منشأ

ص: 12

1- 6. العقیده و الشریعه فی الاسلام، ص 218.

2- 7. المهدیه فی الاسلام، ص 48.

3- 8. تراثنا و موازین النقد، ص 184.

4- 9. مذاهب الاسلامیین، ج 2، ص 76 - 77.

رواج پیدا کردن عقیده و نظریه مهدویت در تاریخ مسلمین می گوید:



«حکومت پیامبر صلی الله علیه وآله صورت مجسم مدینه فاضله ای بود که اسلام و ادیان و مکاتب نوید آن را داده بودند. آرزوی بسیاری از مسلمانان این بود که در همان عصر این مدینه فاضله در سرتاسر عالم گسترش پیدا کند، ولی این آرزو تحقق نیافت، ولی هرگز از ذهن متفکرین اسلامی خصوصاً جامعه شیعه امامی بیرون نرفت»⁽¹⁾

اولین تشکیک در مهدویت

در تاریخ می خوانیم: معاویه در وقتی به جماعتی از بنی هاشم خطاب کرده گفت: «این که شما گمان می کنید پادشاهی هاشمی و مهدی قائم از آن شما است، عقیده ای باطل است، بلکه مهدی همان عیسی بن مریم است، امر خلافت به دست ما است تا آن را به او تسلیم کنیم»⁽²⁾

ابن عباس از جمله کسانی بود که در آن جمع حضور داشت، در مقابل این تحریف تاریخی و بازی کردن با یکی از عقاید مسلم دینی سخت ایستاده و به مقابله پرداخت. او خطاب به معاویه گفت: «...اما این که گفتی ما گمان داریم که برای ما حکومتی است که مهدی علیه السلام حاکم آن است، جواب آن است که این گمان شرک است، همان گونه که خداوند متعال می فرماید: «زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا

ص: 13

1- 10. دراسه عن الفرق فی تاریخ المسلمین، احمد محمد جلی، ص 222.

2- 11. کشف الغمه، ج 1، ص 424، بحار الانوار، ج 33، ص 256.



أَنْ لَّنْ يُعْثُوا» (1) در حالی که همه شهادت می دهند که برای ما ملک و حکومتی است. اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی باشد خداوند متعال کسی از ما را می فرستد تا زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد... .

و اما این که می گویی: مهدی همان عیسی بن مریم است، عیسی کسی است که برای مقابله با دجال فرستاده می شود، و هرگاه دجال او را می بیند نابود می شود، ولی امام از ما کسی است که عیسی بن مریم به او اقتدا کرده و نماز می خواند...» (2).

نقد اجمالی

دکتر عبدالجبار شراره محقق شیعی در مقدمه کتاب «بحث حول المهدی» می گوید: «آنچه جای تعجب است این که برخی از مدعیان علم و معرفت از قدیم الایام و در این زمان در صدد ایجاد تشکیک در جامعه اسلامی برآمده و موجبات تشویش افکار جامعه را فراهم کرده اند، و این تنها به جهت قصور فهم آنان از درک اسرار این عقیده - مهدویت - و مقاصد عالی آن است و یا این که اسباب و اغراض دیگری دارند که ما از آن آگاهی نداریم. آنان از مستشرقانی از قبیل: «جولد زیهر»، «فلهاوزن»، «فان فلوتن»، «مکدونالد»، «برناردلویس»، «مونتری وات» و «ماسیتیون» پیروی می کنند با وجود این که ادعای مسلمان بودن را دارند. و خوشبختانه هیچ گونه دلیلی که آن ها را تأیید

ص: 14

1- 12. سوره تغابن، آیه 7.

2- 13. بحارالانوار، ج 33، ص 257.



کند ندارند، بلکه دلیل بر خلاف مدعای آنان و برهان آشکار و قطعی بر صحت عقیده مهدویت دلالت دارد؛ زیرا به طور متواتر ثابت شده که در آخرالزمان مهدی علیه السلام ظهور خواهد کرد، همان گونه که جماعتی از اهل سنت از قبیل برزنجی و شوکانی و دیگران مدعی این تواترند.

تعجب اینجاست که اینان برای تثبیت مدعای خود به همان ادله ای تمسک کرده اند که منکرین خبرهای غیبی قرآن بر آن تأکید کرده اند... همان گونه که مسأله معراج پیامبر صلی الله علیه و آله را انکار می کنند. با تأمل در افکار و شبهات و اشکالات آنان پی می بریم که اینان همان ادعاهای دشمنان اسلام را با بیانی دیگر تکرار می کنند، کسانی که از علم به دور هستند و هیچ گونه اطلاع و آشنایی با علم حدیث - نه روایت و نه درایت - ندارند، و بیشترین جهل و نادانی یا عناد را نسبت به تاریخ و حقایق آن دارا می باشند...» (1)

جواب تفصیلی

از این توجیهات و احتمالات می توان جواب های متعددی داد که اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

1 - عمومی بودن عقیده نجات

اعتقاد به این که در پایان تاریخ بشر، و در سایه رهبری کامل، مردم از این وضع موجود نجات پیدا خواهند کرد، و در سطح کلّ جامعه مدینه فاضله ایجاد خواهد شد، و زمین پر از عدل و داد خواهد گشت، عقیده و باوری است که نه



1-14. بحث حول المهدی علیه السلام، ص 16 - 17.

تنها همه ادیان بر آن اتفاق دارند و بشارت آن را به جامعه بشری داده اند، بلکه مکاتب فلسفی غیر دینی نیز به اصل این باور معتقدند.

فیلسوف انگلیسی «برتراند راسل» می گوید: «عالم در انتظار مصلحی است که تمام کشورها را یک پارچه کرده و آنان را تحت یک پرچم و یک شعار قرار دهد»⁽¹⁾

«پرفسور اینشتاین» - صاحب نظریه نسبیت - می گوید: «روزی که صلح و صفا تمام عالم را فراگیرد و مردم با دوستی و برادری با یکدیگر زندگی کنند چندان دور نیست».⁽²⁾

2 - فطری بودن اعتقاد به مهدویت

مرحوم «شهید صدر» می فرماید: «اعتقاد به مهدی تنها نشانگر یک باور اسلامی - با رنگ خاص دینی - نیست، بلکه افزون بر آن عنوانی است برخواسته ها و آرزوهای همه انسان ها با کیش ها و مذاهب گوناگون، و همچنین بازده الهام فطری مردم است، که با همه اختلافات آن ها در عقیده و مذهب دریافته اند که برای انسانیت در روی زمین روز موعودی خواهد بود، که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت های آسمانی تحقق می یابد و مسیر آن، که در طول تاریخ پرفراز و نشیب بوده - به دنبال رنجی بسیار - هموار و استواری لازم را می یابد.

انتظار آینده ای این چنین، تنها در درون کسانی که با پذیرش ادیان «جهان غیب» را پذیرفته اند، راه نیافته، بلکه به دیگران هم سرایت کرده است. تا آنجا



1- 15. تأثیر علم اجتماع، ص 56.

2- 16. مفهوم نسبیت، ص 35.

که می توان انعکاس چنین باوری را در مکتب هایی که جهت گیری اعتقادی شان با سرسختی وجود غیب و موجودات غیبی را نفی می کنند، دید.

برای مثال، در ماتریالیسم دیالکتیک که تاریخ را بر اساس تضادها تفسیر می کند، روزی مطرح است که تمامی تضادها از میان می رود و سازش و آشتی حکمفرما می گردد....

چنین ایمانی تنها مایه دلدادگی و شکیبایی نیست، بلکه آفریننده یک سرمایه روحی بزرگ است که نیروی دفاعی جاودانه ای را سبب می شود، و مبارزه با ستم و ستمبارگی را - هرچند که بر همه گیتی چیره باشد - همیشه ممکن جلوه می دهد، زیرا چنان پرتویی از فروغ امید را بر دل ها می افکند که همواره در روح آدمی، ظلمت ناامیدی را نابود می کند و به سوی این اعتقادش می کشاند: که اگر رخدادهای دهشتناک به روی هم انباشته گردند و جهان در دل تاریکی ها و ستم فرو رود، باز هم باید مشعل امید را در دل روشن داشت و به سوی عدالت رفت؛ زیرا وجود روز موعود نشان می دهد که عدالت، توانایی روبرو شدن با جهانی پر از ستم و بیداد را نیز دارد، و می تواند بنیادهای ظلم را - هرچند ریشه دار و قوی - به لرزه درآورد، و برگسترده جهان بیداد زده چیرگی یابد. همچنین گویای این حقیقت است که ستم به ناچار درهم خواهد شکست، حتی آن زمانی که بر فراز برترین قله های توانمندی باشد، بنابراین، به فرد ستم زده و هر توده ستم کشیده، امیدی بزرگ می بخشد که خود را بر دگرگون سازی بنیادها و بازسازی جامعه توانا ببیند...»⁽¹⁾



1- 17. امام مهدی حماسه ای از نور، ص 13 - 15.

اجماع مسلمین بر ظهور مهدی علیه السلام

مهدویت و ظهور مهدی موعود در آخرالزمان عقیده ای است که مسلمانان با توجه به اختلاف مذاهبی که دارند بر آن متفق اند، و هرگز به مذهب خاصی اختصاص ندارد، زیرا جمیع امامیه، زیدیه، مالکیه، حنفیه، شافعیه، حنبلیه و وهابیه و دیگران بر این قضیه اتفاق دارند که در آخر الزمان شخصی از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام کرده و زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد. عده زیادی از علمای اهل سنت تصریح کرده اند که این عقیده مورد اتفاق مسلمین است. و نه تنها از آن اطلاع دارند بلکه این قضیه را از اعتقادات خود می دانند. و حتی برخی از فقهای اهل سنت فتوا به وجوب قتل کسی داده اند که منکر مهدی است. و بعضی گفته اند که باید او را تعزیر و تأدیب نمود تا به حق و صواب باز گردد، همان گونه که از «ابن حجر» هیتمی رسیده است.

«ابن خلدون» با عنادی که نسبت به این عقیده دارد می گوید: «مشهور بین مسلمانان در طول تاریخ آن است که در آخرالزمان مردی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده و عدل را در سطح جهان گسترش خواهد داد...» (1).

«احمد امین» نیز با وجود انکارش نسبت به اصل مهدویت، این عقیده را از عقائد مسلم اهل سنت می داند که به آن ایمان دارند. (2)



1- 18. تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 555.

2- 19. المهدی و المهدویّه، ص 110.

اشاره قرآن به ظهور منجی در آخرالزمان

با مراجعه به قرآن پی می بریم که آیات بسیاری به این موضوع پرداخته است.

1 - « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ »؛ [\(1\)](#) «خداوند به کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آن ها را خلیفه در روی زمین قرار می دهد، همان گونه که پیشینیان را خلافت بر روی زمین بخشید، و دین پسندیده را برپا خواهد کرد، و خوف آن ها را به امنیّت مبدّل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را بر من شریک نخواهند ساخت، و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسقند».

2 - «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ [\(2\)](#) «او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه آیین ها غالب گرداند هرچند مشرکان کراحت داشته باشند».

3 - «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ [\(3\)](#) «ما در (زبور) بعد از (ذکر) نوشتیم که بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد».



1- 20. سوره نور، آیه 55.

2- 21. سوره توبه، آیه 33.

3- 22. سوره انبیاء، آیه 105.

4 - «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ (1)
«اراده ما بر این قرار گرفته که به مستضعفین زمین منت بگذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان
(روی زمین) قرار دهیم».

5 - «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةَ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»؛ (2) «ای کسانی که ایمان آورده اید! هر کس از شما، از آیین خود بازگردد، (به خدا زبانی نمی رساند؛ خداوند جمعیتی را می آورد که آن ها را دوست دارد و آنان (نیز) او را دوست دارند، در برابر مؤمنان متواضع، و در برابر کافران سرسخت و نیرومندند؛ آن ها در راه خدا جهاد می کنند، و از سرزنش هیچ ملامت گری هراسی ندارند. این، فضل خداست که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد؛ و (فضل) خدا وسیع، و خداوند داناست.»

6 - «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنِ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ (3) «با آنان پیکار کنید تا فتنه برچیده شود و دین همه مخصوص خدا باشد و اگر آن ها خودداری کنند خدا به آنچه انجام می دهند بینا است.»

7 - «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ (4) «(یاران خدا)



1- 23. سوره قصص، آیه 5.

2- 24. سوره مائده، آیه 54.

3- 25. سوره انفال، آیه 39.

4- 26. سوره حج، آیه 41.

کسانی هستند که هرگاه در زمین به آن ها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می دارند و زکات را ادا کرده و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه کارها از آن خداست».

8 - «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُيَاهُمْ؟» (1) «آیا جز این انتظار دارند که قیامت ناگهانی برپا می شود، پس نشانه های آن آمده است، اما هنگامی که بیاید تذکر آن ها سودی نخواهد داشت».

9 - «وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ فَزَعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ»؛ (2) «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، اما نمی توانند (از چنگال عذاب الهی) بگریزند و آن ها را از مکان نزدیک می گیرند».

10 - «وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلَّسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ»؛ (3) «او سبب آگاهی در روز قیامت است، هرگز در آن تردیدی نیست و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است».

برای شرح و تفصیل این آیات به کتاب قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام مراجعه شود.

1- 27. سوره محمد صلی الله علیه و آله، آیه 18.

2- 28. سوره سبأ، آیه 51.

3- 29. سوره زخرف، آیه 61.

پدید آمدن مدعیان مهدویت

دکتر عبدالجبار شراره می گوید: «به حدّی عقیده مهدویت در جامعه اسلامی رسوخ کرده که حتّی برخی افراد از این عقیده مسلّم سوء استفاده نموده و ادّعای مهدویت کرده اند، ولی خوشبختانه با گذشت زمانی نه چندان دور، باطلشان آشکار شده و سریع مفتضح شده اند. دکتر احمد امین در کتاب «المهدیّه فی الاسلام» درصدد برآمده که این مسأله را از عوامل و اسباب طعن بر عقیده مهدویت و اصالت آن به حساب آورد، ولی صحیح، عکس آن است؛ زیرا ادّعای مهدویت از افراد در طول تاریخ، دلیل بر حقانیت اصل این عقیده و رسوخ آن در میان جامعه است. اگر چنانچه این نظریه صحیح باشد که ادّعای دروغین سبب بطلان یک حقیقت است، باید نبوت انبیا را نیز انکار کنیم؛ زیرا در طول تاریخ انبیا افرادی پیدا شدند که دروغین ادّعای نبوت کردند».⁽¹⁾

مرحوم شهید مطهری می گوید: «اولین باری که می بینیم اثر اعتقاد مهدویت در تاریخ اسلام ظهور می کند، در جریان انتقام مختار از قتل امام حسین علیه السلام است. جای تردید نیست که مختار مرد بسیار سیاستمداری بوده و روشش هم بیش از آنکه روش یک مرد دینی باشد روش یک مرد سیاسی بوده است، البته نمی خواهیم بگوییم مختار آدم بدی بوده یا آدم



خوبی بوده است، کار به آن جهت نداریم. مختار می دانست ولو این که موضوع انتقام گرفتن از قتلۀ سیدالشهداء است و این زمینه، زمینه بسیار عالی است، اما مردم

ص: 22

1-30. بحث حول المهدی علیه السلام، ص 15 - 16.

تحت رهبری او حاضر به این کار نیستند. مسأله مهدی موعود را که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر داده بود مطرح کرد به نام محمد بن حنفیه بن امیرالمؤمنین و برادر سیدالشهداء، چون اسمش محمد بود، زیرا در روایات نبوی آمده است: «اسمه اسمی» نام او نام من است. گفت: ایها الناس! من نایب مهدی زمانم، آن مهدی ای که پیغمبر خبر داده است. مختار مدتی به نام نیابت از مهدی زمان، بازی سیاسی خودش را انجام داد. حال آیا محمد بن حنفیه واقعاً خودش هم قبول می کرد که من مهدی موعود هستم؟ بعضی می گویند: قبول می کرد برای این که بتواند انتقام را بکشند. ولی این البته ثابت نیست. در این که مختار محمد بن حنفیه را به عنوان مهدی موعود معرفی می کرد شکی نیست، و بعدها از همین جا مذهب «کیسانیه» پدید آمد. محمد بن حنفیه هم که مرد گفتند: مهدی موعود که نمی میرد مگر این که زمین را پر از عدل و داد کند، پس محمد بن حنفیه نمرده است، در کوه رضوی غایب شده است.

ابوالفرج اصفهانی می گوید: وقتی خبر شهادت زید بن علی بن الحسین به زهری رسید گفت: «چرا این قدر این اهل بیت علیهم السلام عجله می کنند؟! روزی خواهد رسید که مهدی از آن ها ظهور کند»...



طرفداران محمد بن عبدالله محض معروف به «نفس زکيه» به جهت قیام بر ضدّ حکومت اموی، حضرت صادق علیه السلام را در جلسه ای دعوت کردند و به ایشان گفتند: ما می خواهیم قیام کنیم، شما هم که سید حسینیین هستید، بیعت کنید. امام فرمود: «هدف شما از این کار چیست؟ اگر محمد می خواهد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر قیام کند، من با او همکاری می کنم»

ص: 23

و تأییدش می نمایم، ولی اگر می خواهد به این عنوان که او مهدی این امت است قیام کند، اشتباه می کند، مهدی این امت او نیست، کسی دیگر است، و من هرگز تأیید نمی کنم».

شاید تا حدودی مطلب برای خود محمد بن عبدالله محض هم اشتباه شده بود؛ زیرا هم اسم پیامبر بود، یک خالی هم در شانه اش بود. مردم می گفتند: نکند این خال هم علامت این باشد که او مهدی امت است. بسیاری از کسانی که با وی بیعت کردند، به عنوان مهدی امت بیعت کردند. معلوم می شود که مسأله مهدی امت آنقدر در میان مسلمین قطعی بوده است که هر کس که قیام می کرد و اندکی صالح بود. افرادی می گفتند: این همان مهدی ای است که پیغمبر گفته است، اگر پیغمبر نمی گفت این طور نمی شد.

حتّی ما می بینیم یکی از خلفای عباسی اسمش مهدی است، پسر منصور، سوّمین خلیفه عباسی... مورّخین و از جمله «دارمستر» نوشته اند که منصور مخصوصاً اسم پسرش را «مهدی» گذاشت برای این که می خواست استفاده سیاسی کند، بلکه بتواند یک عدّه را فریب بدهد، بگوید آن مهدی ای که شما به انتظار او هستید پسر من است، و لهذا «مقاتل الطالیین» و



دیگران نوشته اند که گاهی با خصیصین خود که روبرو می شد به دروغ بودن این مطلب اعتراف می کرد... .

جریان های دیگری در تاریخ اسلام می بینیم؛ از جمله یکی از فقهای مدینه به نام «محمد بن عجلان» با محمد بن عبدالله محض بیعت کرد...

ص: 24

منصور بعد از رسیدن به خلافت این مرد فقیه را خواست و بعد از آن که ثابت شد که او بیعت کرده است، دستور داد دست او را ببرند. فقهای مدینه جمع شدند و شفاعت کردند و به منصور گفتند: او تقصیر ندارد، او مردی است فقیه و عالم به روایات، گمان کرده که محمد بن عبدالله محض مهدی امت است، و لذا با او بیعت کرده، و گرنه با تو قصد دشمنی نداشته است.

این است که می بینیم در تاریخ اسلام موضوع مهدی موعود از مسائل بسیار مسلّم و قطعی است.

حضرت صادق علیه السلام پسری داشت به نام اسماعیل که «اسماعیلیه» منتسب به او هستند. اسماعیل در زمان حیات حضرت از دنیا رفت. حضرت اصحابشان را صدا زدند، کفن را باز کردند، صورت اسماعیل را نشان دادند و فرمودند: این اسماعیل پسر من است، فردا ادّعا نکنید که او مهدی امت است و غایب شد. این ها همه نشان می دهد که زمینه مهدی امت در میان مسلمین به قدری قطعی بوده است که جای شک و تردید نیست»⁽¹⁾.

نمونه ای از مدعیان



اینک به برخی از کسانی که ادّعی مهدویت کرده یا در حق آنان چنین ادّعایی شده اشاره می‌کنیم:

1 - محمد بن حنفیه که مختار در حقّ او ادّعی مهدویت نمود. (2)

و لذا فرقه کیسانیه که در قرن اول و دوم می زیستند مدعی مهدیت محمد بن حنفیه بودند.

ص: 25

1- 31. مجموعه آثار.

2- 32. وفیات الاعیان، ج 4، ص 172.

2 - موسی بن طلحه: ابن سعد می گوید: مردم در شأن او ادّعی مهدویت شده اند. (1)

3 - ابوهاشم فرزند محمد بن حنفیه: نوبختی می گوید: گروهی معتقد شدند که او قائم و مهدی امت است. (2)

4 - عمر بن عبدالعزیز: ابن کثیر به سند خود از وهب بن منبه نقل می کند که می گفت: اگر در این امت مهدی علیه السلام باشد به طور حتم عمر بن عبدالعزیز است.

5 - عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر: ابن حزم می گوید: بعد از هلاکت عبدالله بن معاویه حزیه دو فرقه شدند: گروهی معتقد بودند که او زنده است و در کوه های اصفهان به سر می برد و نمی میرد تا این که متوّلی امور مردم شود و زمین را پر از عدل و داد گرداند و او مهدی منتظر است...» (3)



6 - اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام: که گروهی از مردم مرگ او را انکار کرده و قایل به مهدویت او شدند، آن ها معتقدند که او نمی میرد تا این که حاکم بر تمام روی زمین شود...[\(4\)](#)

7 - محمد بن عبدالله بن حسن: که در سال صد هجری ادّعی مهدویت نمود، بزرگان خطّ اعتزال امثال عمرو بن عبید، واصل بن عطاء، حفص بن سالم، و دیگران مردم را به بیعت با او دعوت می نمودند...[\(5\)](#)

ص: 26

1- 33. طبقات ابن سعد، ج 5، ص 162.

2- 34. فرق الشیعه، ص 31.

3- 35. الفِصل، ج 4، ص 36.

4- 36. فرق الشیعه، ص 67، الفِصل، ج 4، ص 36.

5- 37. کافی، ج 5، ص 23، ح 1.

8 - ابوالفرج اصفهانی می نویسد: «کسی شکّ نداشت که او مهدی است، و حتی گروهی از بنی هاشم نیز با او بیعت کردند...»[\(1\)](#)

مهدی عباسی: منصور عباسی لقب فرزندش را مهدی گذاشت تا مردم را از این طریق اغفال کرده و به اعتقاد مهدویت با او بیعت کنند...[\(2\)](#)

ص: 27



1- 38. مقاتل الطالبین، ص 158.

2- 39. مقاتل الطالبین، ص 162.

شعرای مهدویت در طول تاریخ اسلام

اشاره

یکی از قراین و نشانه های قطعی بودن یک موضوع آن است که شعرا آن را در طول تاریخ به شعر درآورده و قصیده ها درباره آن می سرایند، که قضیه مهدویت از این قبیل است. اینک به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

امام علی علیه السلام:

حضرت علی علیه السلام در رابطه با فرزندش امام مهدی علیه السلام می فرماید:

1 - فَللَّهِ دَرَّةٌ مِنْ إِمَامٍ سَمِيعٍ

يَذُلُّ جِيوشَ الْمُشْرِكِينَ بِصَارِمٍ

2 - وَ يَظْهَرُ هَذَا الدِّينَ فِي كُلِّ بَقْعَةٍ

و يَرْغَمُ أَنْفَ الْمُشْرِكِينَ الْغَوَاشِمِ

3 - وَ يَا وَيْلَ أَهْلِ الشَّرْكِ مِنْ سَطَوِهَا لَفَنَّا

و يَا وَيْلَ كُلِّ الْوَيْلَ لِمَنْ كَانَ ظَالِمٍ



4 - ینقی بساط الارض من کلّ آفه

ویرغم فیها کل من کان غاشم

5 - و یامر بمعروف و ینهی لمنکر

ویطلع نجم الحقّ علی ید قائم

6 - و ینشر بسط العدل شرقاً و مغرباً

وینصر دین الله رأس الدعائم

ص:28

7 - و ماقلت هذا القول فخراً و انما

قد اخبرنی المختار من آل هاشم (1)

1 - آفرین بر امام دلیری که لشکرهای مشرکین را با شمشیر بران به ذلت می کشاند.

2 - و این دین را در هر سرزمینی آشکار می سازد و بینی مشرکان ستمکار را به خاک می مالد.

3 - ای مشرکان! وای از چیره شدن فنا و نابودی و صد وای بر کسی که ستمگر بوده است.

4 - پهنه زمین را از هر آفتی پاک می کند و بینی هر ستمکاری را به خاک می مالد.



5- امر به معروف و نهی از منکر می کند در حالی که ستاره حقّ به دست قائم طلوع می کند.

6- و بساط عدالت را در شرق و غرب (عالم) می گستراند و دین حقّ را در رأس همه امور یاری می کند.

7- این سخن را برای این که افتخاری برای ما باشد نگفتم، بلکه سخنی است برگزیده از آل هاشم (یعنی محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله) که به من خبر داده است.

و نیز در مورد علائم ظهور خطاب به فرزندش امام حسین علیهما السلام می فرماید:

1- بنیّ اذا ما جاشت التّرك فانتظر

ولایه مهدیّ یقوم و یعدل

ص: 29

1- 40. ینابیع الموده، ج 3، ص 275.

2- و ذلّ ملوک الارض من آل هاشم

وبويع منهم من یلذّ و یهزل

3- صبیّ من الصبیان لارأی عنده

ولاعنده جدّ و لاهو یعقل



4 - فثمَّ يقوم القائم الحقَّ منكم

وبالحقَّ يأتیکم و بالحقَّ يعمل

5 - سمیَّ نبیَّ الله نفسی فداؤه

فلاتخذلوه یا بنیَّ و عجلوا

1 - پسر من! زمانی که (قبائل) ترک مضطرب و آشفته شدند، منتظر ولایت مهدی باش که قیام خواهد کرد و در میان مردم به عدالت رفتار خواهد نمود.

2و3 - (آن زمانی که) پادشاهان روی زمین از آل هاشم ذلیل و خوار شوند و کسی از ایشان بیعت بگیرد که اهل خوشگذرانی و لهو لعب است. کودکی که رأی و تدبیر و عقل ندارد و در کارهایش جدی نیست.

4 - در این هنگام است که قائم به حقّ از شما ظاهر شود و حقّ را می آورد و بدان عمل می کند.

5 - او هم نام پیغمبر خدا است، جانم فدای او باد، ای پسرانم! او را خوار نکنید و در نصرت و یاری او تعجیل نمایید.

زید بن علی بن الحسین علیه السلام

او نیز اشعاری را در شأن حضرت مهدی علیه السلام سروده است که به بخشی از آن اشاره می کنیم:



1 - نحن سادات قریش

وقوام الحقّ فینا

2 - نحن الانوار الّتی

من قبل کون الخلق کنا

3 - نحن منّا المصطفی ال

مختار و المهدی منّا

4 - فبنا قد عرف الله

وبالحقّ اقمنا

5 - سوف یصلاه سعیر

من تولّی الیوم عنا (1)

1 - ما سادات قریشیم و پشتیبان و حامی حقّ در میان ما است.

2 - ما انواری هستیم که قبل از خلقت بوده ایم.

3 - ما (جماعتی هستیم) که مصطفای برگزیده و مهدی از ما هستند.

4 - به وسیله ما خداوند شناخته می شود و ما به حقّ قیام می کنیم.

5 - به زودی به آتش افکنده شود کسی که امروز از ما روی گردان شود.



امام صادق علیه السلام

آن حضرت در مورد حکومت فرزندش مهدی علیه السلام می فرماید:

لکلّ أناسٍ دولة یرقبونها

ودولتنا فی آخر الدهر تظهر ⁽²⁾

برای هر گروهی از مردم دولتی است که انتظار آن را می کشند و دولت ما در آخرالزمان ظاهر خواهد شد.

تأیید امام رضا علیه السلام

دعبل بن علی خزاعی در رثای اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام قصیده ای را به نام (قصیده تائیه) سروده است و این همان قصیده ای است که امام رضا علیه السلام برای سرودن آن به دعبل آفرین گفته و به او صله داده است.

ص: 31

1- 41. بحارالانوار، ج 46، ص 202، ح 77.

2- 42. بحارالانوار، ج 51، ص 143، ح 3.

این قصیده طولانی و از صد بیت متجاوز است. ما در این قسمت به چند بیت از آن بسنده می کنیم:

1 - خروج امام لامحاله خارج



يقوم على اسم الله و البركات

2 - يميز فينا كل حق و باطل

و يجرى على النعماء و النقمات (1)

1 - امید من به خروج امامی است که حتماً ظهور می کند و به نام خدا همراه با انواع برکت ها قیام می کند.

2 - حق و باطل را از هم جدا نموده بر خوبی ها و بدی ها پاداش و کیفر می دهد.

امام حسن عسکری علیه السلام

عیسی بن فتح از امام حسن عسکری علیه السلام پرسید: ای مولای من! آیا برای شما فرزندی است؟... حضرت این دو بیت شعر را قرائت کردند:

1 - لعلک يوماً أن ترانی کائنما

بنی حوالی الاسود اللوابد

2 - فان تمیماً قبل أن یلدالحصی

اقام زماناً و هو فی الناس واحد (2)

1 - شاید روزی مرا با فرزندان (نیرومندم) به گونه ای بینی که گویی شیران بیشه گرد من حلقه زده اند.



2- تمیم قبل از این که همچون سنگ ریزه های بیابان صاحب فرزندان فراوان شود، مدتی در میان مردم تنها(بدون فرزند) زیست.

ابن ابی الحدید معتزلی

او اشعار فراوانی سروده است. بهترین و مشهورترین آن ها «قصائد علویات سبع» اوست که در مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سروده است.

ص:32

1- 43. فرائد السمطين، ج 2، ص 337؛ ینایع الموده، ج 3، ص 309؛ بحار الانوار، ج 49، ص 239، ح 9.

2- 44. بحار الانوار، ج 50، ص 275، کشف الغمه، ج 2، ص 503.

وی در قصیده ششم (قصیده عینیّه) بعد از آن که در توصیف صفات بارز امیرالمؤمنین علیه السلام اشعار بسیار زیبایی را سروده است، به مسأله مهدی موعود و انتظار فرج اشاره می کند و در اشعار نغز خود، ظهور آن حضرت را قطعی می داند و انتظار آن روز را می کشد، آن گاه می گوید:

1- و رأیت دین الاعتزال و انّی

أهدی لأجلک کلّ من یتشیّع

2- و لقد علمت بانه لابدّ من



مهدیکم و لیومه اتوقع

3 - یحمیه من جُند الاله کتائب

کالیم اقبل زاخراً یتدفع(1)

1 - من معتقد به دین اعتزالم در حالی که به خاطر تو هر شیعه ای را دوست دارم

2 - به خدا سوگند! من (ظهور) مهدی شما را حتمی می دانم و انتظار آن روز را می کشم.

3 - سپاهیان از لشکر خدا همچون دریای خروشان که هیچ چیز در مقابل امواج متلاطم آن تاب مقاومت ندارد، از وی حمایت خواهند کرد.

محبی الدین بن عربی

او که از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه است در مرسیه اسپانیا متولد شد و در دمشق درگذشت.
او در اشعاری درباره حضرت مهدی علیه السلام می فرماید:

1 - اذا دار الزمان علی حروف

ببسم الله فالمهدی قاما

2 - و یخرج بالخطیم عقیب صوم

ألا فاقراء من عندی السلام(2)

1 - هنگامی که روزگار بر حرفی دور زند؛ پس مهدی با نام خدا قیام خواهد کرد.



2 - او بعد از ماه روزه، از طرف حطیم کعبه خروج خواهد کرد. هان از جانب من به آن حضرت سلام برسان.

ص: 33

1- 45. شرح نهج البلاغه، ج 2، ص 535.

2- 46. ینابیع الموده، ص 416.

محمد بن طلحه شافعی

او در کتاب بارزش خود «مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول» در باب دوازدهم چنین سروده است:

1 - فهذا الخلف الحجه قد ايدّه الله

هداه منهج الحقّ و آتاه سجایاه

2 - و اعلیٰ فی ذری العلیاء بالتأیید مرقاه

و آتاه حلی فضل عظیم فتحلاه

3 - و قد قال رسول الله قولاً قد رَویناه

وذوالعلم بماقال اذا ادرك معناه

4 - یری الاخبار فی المهدی جاءت بمسمّاه



وقد أبداه بالنسبه و الوصف و سمّاه

5 - و یکفی قوله منی لإشراق مُحیّاه

ومن بضعتہ الزهراء مُرساه و مَسراه

6 - و لن يبلغ ما اوتیه امثال و أشباه

وان قالوا هو المهدیّ ما مانوا بما فاه(1)

1 - پس این جانشین و حجّتی است که خداوند او را تأیید نموده است. او را به راه راست هدایت کرد و سجایای خویش را به او عطا نمود.

2 - و با نردبان تأیید الهی به بالاترین نقطه های بزرگی رسید. و زیورهای فضیلتی عظیم به او مرحمت فرمود و آن حضرت هم لباس فضیلت را بر تن کرد.

ص:34

1- 47. مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول صلی الله علیه وآله، ص 152.

3 و 4 - رسول خداصلی الله علیه وآله سخنی فرموده که ما آن را روایت کرده ایم. و آن کس که به آنچه پیامبرصلی الله علیه وآله فرموده علم پیدا کند، هرگاه معنای سخن آن حضرت را درک کند خواهد دید که اخباری درباره علامات مهدی وارد شده و رسول خداصلی الله علیه وآله نسبت و صفت و نام وی را آشکار کرده است.



5 - گفته رسول خداصلی الله علیه وآله کفایت می کند که می فرمود: نور صورت مهدی از نور من است. آن رسولی که پاره تنش زهراء، محلّ وقوع و روانه شدنش (به علم وجود) است.

6 - هیچ مثل و شبیهی به این مقامی که به مهدی دادم نخواهد رسید. و اگر بگویند او مهدی است در آنچه گفته اند دروغ نگفته اند.

صدرالدین قونوی

او از مشاهیر علمای عظام و از اکابر عرفای والامقام بود. او درباره مهدی موعود اشعاری سروده که ذیلاً گزیده ای از آن ذکر می شود.

1 - يقوم بأمر الله في الارض ظاهراً

على رغم شيطانين يمحق للكفر

2 - يؤيد شرع المصطفى و هو ختمه

و يمتد من ميم بأحكامها يدرى

3 - على يده محق اللئام جميعهم

بسيف قوى المتن علك ان تدرى

4 - حقيقه ذاك السيف و القائم الذى

تُعین للدين القويم على الامر



ص: 35

5 - أليس هو النور الأتم حقيقة

ونقطه میم منه امدادها یجری

6 - يُفيض على الأكوان ما قد افاضه

عليه إله العرش في أزل الدهر. (1)

1 - به فرمان خدا در روی زمین آشکارا قیام می کند و علی رغم دو شیطان (انس و جن) کفر را از بین می برد.

2 - شریعت مصطفی، خاتم انبیاء را از زمان حضرت محمد صلی الله علیه وآله (تا زمان ظهورش) ادامه می یابد و به احکام آن واقف است، تأیید و پشتیبانی می کند.

3 - نابودی همه اشخاص پست و لثیم به دست پرتوان و شمشیر محکم و استوار اوست.

4 - شاید تو از حقیقت آن شمشیر و آن قائمی که به فرمان حق برای (احیای) آن دین استوار مشخص شود، آگاه شوی.

5 - آیا در حقیقت او نور کاملتر و تمامتر نیست؟ در حالی که نقطه میم از او امداد می گیرد.

6 - آنچه را که خداوند عرش در عالم ازل به او افاضه نموده بر عالم هستی افاضه می کند.

شیخ عبدالرحمن بسطامی

شیخ سلیمان حنفی در کتاب «ینابیع الموده» (2) می نویسد: «شیخ کبیر



1- 48. ینابیع الموده، ج 3، ص 340، الزام الناصب، ص 95.

2- 49. ینابیع الموده، ج 3، ص 337.

عبدالرحمن بسطامی مؤلف کتاب «درّہ المعارف» در شعر خود می گوید:

1 - و يظهر ميم المجد من آل احمد

و يظهر عدل الله في الناس أولاً

2 - كما قد رونا عن عليّ الرضا

وفي كنز علم الحرف اضحى محصلاً

3 - و يخرج حرف الميم من بعد شينه

بمكّه نحو البيت بالنصر قدعلا

4 - فهذا هو المهدىّ بالحقّ ظاهر

سيأتى من الرحمن للحقّ رسلاً

5 - و يملأ كلّ الأرض بالعدل رحمه

و يمحو ظلام الشرك و الجور أولاً



6 - ولایتہ بالامر من عند ربّه

خلیفه خیرالرسل من عالم العلا

1 - میم مجد و عظمت آل احمد (مهدی) ظهور می کند و عدل خداوند برای اولین بار در میان مردم آشکار می گردد.

2 - چنانکه از علی بن موسی الرضا علیه السلام برای ما روایت شده و از گنجینه علم حروف هم به دست می آید.

3 - و حروف میم بعد از شین آن، در مگّه از طرف کعبه با نصرت و برتری خارج می گردد.
ص: 37

4 - این همان مهدی است که به حقّ ظهور می کند و به زودی از طرف خداوند رحمان برای (احیای حق) فرستاده خواهد شد.

5 - و با (اجرای) عدالت، عرصه زمین را سرشار از رحمت می کند و تاریکی های شرک و ستم را نخست نابود می کند.

6 - ولایت امر او از جانب پروردگارش می باشد و او جانشین بهترین پیغمبران از عالم بالاست.

فضل بن روزبهان

او که مردی شافعی مذهب است با وجود عناد و لجاج زائد الوصفی که در او است، قصیده ای در سلام بر چهارده معصوم شیعه دارد، او در بخشی از آن می گوید:



1 - سلام علی القائم المنتظر

ابی القاسم القرم نورالهدی

2 - سیطلع کالشمس فی غاسق

ینجیه من سیفه المنتضی

3 - تری یملاً الارض من عدله

کما ملئت جور اهل الهوی

4 - سلام علیه و آبائه

وانصاره ما تدوم السماء (1)

1 - سلام بر قائم منتظر ابوالقاسم، آن سرور بزرگوار و نور هدایت.

2 - به زودی همچون آفتاب در دل تاریکی طلوع می کند و با شمشیر برکشیده اش اسلام را نجات می دهد.

3 - و زمین را از عدل و داد پر می کند، هم چنان که از ستم هواپرستان پرشده باشد.

4 - سلام بر او و پدرانت و یارانش تا زمانی که آسمان پابرجاست.

ص: 38



1- 50. فضل بن روزبهان، الاثنی المنتظمه و الدرر الثمینه، ص 79 و 80.

محمّد بن طولون

او درباره ائمه معصومین علیهم السلام کتابی به نام «الائمه الاثنی عشر» تألیف کرده، و در آن اشعاری در رابطه با ائمه دوازده گانه شیعه آورده است و نیز خبر از ظهور مهدی علیه السلام در آینده می دهد.

1 - علیک بالائمه الاثنی عشر

من آل بیت المصطفی خیرالبشر

2 - ابوتراب، حسن، حسین

وُبغض زین العابدین شین

3 - محمّدالباقر کم علم درّی

والصادق ادع جعفرأ بین الوری

4 - موسی هو الکاظم و ابنه علیّ

لقبه الرضا و قدره علیّ

5 - محمّد التقی قلبه معمور

علیّ النقیّ درّه منشور



6 - والعسکری الحسن المطهرّ

محمد المهدی سوف یظهر. (1)

1 - به ائمه دوازده گانه که از دودمان بهترین انسان (یعنی محمد) مصطفی هستند چنگ بزَن.

2 - (آن ها عبارتند از): ابوتراب، حسن و حسین، و بغض با زین العابدین چقدر زشت است.

2 - و محمد باقر که چقدر دانای علوم است، و صادق که او را در میان مردم جعفر بخوان.

4 - و موسای کاظم و پسرش علی، ملقب به رضا که دارای قدر و منزلت والایی است.

5 - و محمد تقی که قلبی سرزنده و آباد دارد، و علی نقی که گوهر او پراکنده شده است.

ص: 39

1- 51. الأئمة الاثني عشر، ص 118.

6 - و عسکری، آن حسن مطهرّ، و محمد مهدی که به زودی ظهور خواهد کرد.

کمیت بن زید اسدی

او که از شعرای طراز اوّل کوفه در عصر خود بود اشعاری در مدح پیامبر و ائمه معصومین

سروده است. (1)



او در ضمن اشعاری که در حضور امام محمدباقر علیه السلام در رثای شهیدان کربلاء سرود،
به قیام مهدی موعود - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اشاره می کند:

1 - أضحکني الدهر و ابکانی

والدهر ذو صرف و ألوان

2 - لتسعه بالطف قد غودروا

صاروا جميعاً رهن أكفان

3 - و سته لا يتجاری بهم

بنوعقل خیر فرسان

4 - ثمّ علی الخیر مولا هم

ذکرهم هیچ آزرانی

5 - من کان مسروراً بماسکم

او شامتاً يوماً من الآن

6 - فقد ذللتم بعد عزّ فما

أدفع ضیماً حين يغشانی

7 - متى يقوم الحقّ فيکم متى



يقوم مهديکم الثانی. (2)

1 - روزگار مرا خندانید و به گریه واداشت ؛ چرا که روزگار دارای حوادث گوناگون و رنگارنگ است.

2 - گریه من برای آنه نه نفری است که در سرزمین طفّ (کربلاء) رها شدند در حالی که همگی در گرو کفن ها بودند.

3 - گریه من نیز بر آن شش نفری است که کسی به پای آن هانمی رسد، آن ها فرزندان عقیل، بهترین سوارکارانند.

ص:40

1- 52. تاریخ الادب العربی، ج 1، ص 697.

2- 53. کفایهالاثّر، ص 248.

4 - آن گاه گریه من بر بهترین، یعنی بر مولای آنان است، یاد ایشان، غم های مرا تحریک کرده است.

5 - چنانچه کسانی به واسطه آنچه به شما رسید خوشحال شدند یا این که روزی شما را شماتت کنند.

6 - شما بعد از عزّت خوار گشتید، در حالی که من هم به هنگام ظلم و ستم قدرت دفاع ندارم.



7 - چه موقع، حقّ در میان شما حکمفرما می شود؟ و چه موقع مهدی دوم شما قیام خواهد کرد؟

ص: 41

تألیفات در قضیه مهدویّت

با مراجعه به کتب تراجم و رجال و پی می بریم که تألیف در قضیه مهدویّت حرکتی بنیادین بوده که نه تنها قبل از ولادت امام مهدی علیه السلام در بین شیعه شروع شده، بلکه حرکتی مقدس نزد شیعه و سنی از بعد وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله بوده است. و این به نوبه خود دلیل بر آن است که اصل قضیه مهدویّت از مسلّمات مسائل اسلامی است، که مورد اتفاق بین مسلمین قرار گرفته است، و از مسایلی نیست که تنها بعد از عصر حیرت پدید آمده باشد، که جامعه شیعی بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام به آن مبتلا بوده است.

شروع تألیف در مورد امام مهدی علیه السلام

به طور جزم می توان گفت که شروع حرکت تألیف در قضیه مهدویّت به ظهور حرکت تدوین حدیث در تاریخ اسلامی؛ یعنی اوایل قرن دوم هجری باز می گردد؛ زیرا از کتب رجال استفاده می شود که شروع تألیف در این زمینه در جامعه شیعی در عصر امام صادق علیه السلام بوده است. شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «الفهرست» نقل می کند که علی بن یقطین بن موسی بغدادی اسدی کوفی الاصل کتابی در ملاحم تألیف نمود.

روش های تألیف در موضوع مهدویّت



توضیح

در موضوع مهدویت با روش های گوناگون و متنوعی، بزرگان فریقین دست به تألیف و تصنیف زده اند. اینک به اشاره می کنیم.

ص: 42

یک - روش روایی

این روش از قدیمی ترین روش های تألیف در موضوع مهدویت است؛ و این امری است طبیعی؛ زیرا بسیاری از جزئیات قصه مهدویت از مصادیق بارز ایمان به غیب به حساب می آید که تنها راه رسیدن به آن سرچشمه های زلال وحی الهی یعنی کتاب و سنت است.

این روش قوّت و اعتبارش را از قوّت و اعتبار مصادر وحی الهی که همان قرآن و حدیث است اخذ می کند، بعد از آنکه به دلیل عقلی و اعجازی، مرجعیت و اعتبار این مصادر به اثبات رسیده است.

این روش بر اقسامی تقسیم می گردد:

الف - احادیث تفسیری

یکی از روش های روایی در بحث از قضیه مهدویت جمع احادیثی است که مربوط به آیات مهدویت است، آیاتی که در آن ها به گونه ای اشاره به قضیه مهدویت با تمام ابعاد گوناگونش شده است.



اعتبار این روش برگرفته از حجّت احادیث به عنوان مفسّر و مبین قرآن است. زیرا مطابق نصّ قرآن کریم، رسول اکرم صلی الله علیه و آله مبین حقیقی و واقعی قرآن است. و پرواضح است که در درجه اول مقصود تبیین تأویلات و بطون قرآن است که هر کس نمی تواند از ظاهر قرآن استفاده کند و این پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام هستند که به کنه تأویل و باطن قرآن رسیده اند، و گرنه ظاهر قرآن بر هر انسان عاقل قابل فهم است، زیرا خداوند امر به تأمل و تدبّر در آن نموده است. (1)

ص: 43

1- 54. قرآن در اسلام، ص 35 - 39.

و نسبت به اهل بیت علیهم السلام نیز می گوئیم: خداوند از طرفی می فرماید: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (1) «به حقیقت قرآن نمی رسد و مسّ نمی کند آن را مگر کسانی که مطهر از هر رجس و پلیدی اند.» و از طرفی دیگر خداوند صغرای این کبرا را اهل بیت پیامبر علیهم السلام معرفی کرده است آنجا که می فرماید: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (2) نتیجه این است که اهل بیت علیهم السلام به حقیقت قرآن دست یافته اند و لذا بیانات آن بزرگواران در رابطه با آیات قرآن برای همگان حجّت است.

در این زمینه کتاب هایی تألیف شده است از قبیل: کتاب ابن عیاش معروف به (مانزل من القرآن فی صاحب الزمان). و نیز از جمله کتاب هایی که جامع این گونه روایات است کتاب (المحجه فیما نزل فی القائم الحجه) از سیدهاشم بحرانی است، و بر آن استدراکاتی اضافه شده که سید بر آن اطلاع پیدا نکرده است. ایشان در آن کتاب حدود 130 آیه را مورد



بحث قرار می دهد که در ذیل آن ها روایاتی وارد شده که تأویل به امام مهدی علیه السلام و خصوصیات قضیه ظهور او شده است.

ب - احادیث موضوعی

قسمت دیگر از کتبی که در مورد احادیث مهدویت است کتبی است که در آن ها احادیث به طور مستقل در موضوع مهدویت جمع آوری شده است. این روش نیز به نوبه خود بر چند بخش تقسیم می شود.

1 - روش حدیثی نزد امامیه: شیعه امامی در تألیف احادیث موضوعی چند طریق را دنبال کرده است.

ص: 44

1- 55. سوره واقعه، آیه 79.

2- 56. سوره احزاب، آیه 33.

الف - استناد به احادیث امامیه: در این روش مؤلف تنها به احادیثی توجه دارد که از طرق امامیه، و از اهل بیت علیهم السلام یا پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است. این روش عملکرد قدمای از اصحاب ائمه علیهم السلام و منهج بیشتر مؤلفین در عصر غیبت صغری و اوایل غیبت کبری است. از باب نمونه می توان به کتاب (تحقیق غیبهالمنتظر و ما جاء فیها عن النبی والأئمه و وجوب الايمان) از تاج العلی الأشرف بن الأغر بن هاشم العلوی الحسینی از علمای قرن هفتم هجری اشاره کرد. (1)



همین روش را مرحوم میرلوحی سبزواری از علمای قرن یازدهم هجری در کتاب «کفایهالمهدی فی معرفه المهدی» و علامه مجلسی در «بحارالانوار» دنبال کرده است.

ب - تقویت به روایات اهل سنت: نوع دیگر از روش های حدیثی نزد امامیه در تألیف از موضوع مهدویت، تقویت احادیث شیعه امامیه به مرویات اهل سنت است. روایاتی که در این باره بوده و به همان مضمونی که شیعه نقل کرده در مصادر اهل سنت نیز وارد شده است.

هدف از این نوع تألیف اثبات عقیده امامیه با ادله ای است که الزام آور برای جمیع مسلمین باشد. همانند تألیفی که از شیخ علی بن عیسی اربلی صاحب کتاب (کشف الغمه) به جای مانده است. و نیز سید بن طاووس در کتاب (الطرائف) و شیخ حرّ عاملی در (اثبات الهداه) و عده ای دیگر همین روش را در تألیفات خود درباره مهدویت دنبال کرده اند.

ص: 45

1- 57. اعیان الشیعه، ج 3، ص 461، الذریعه، ج 16، ص 75.

ج - استناد به روایات اهل سنت: برخی دیگر از علمای شیعه که در این موضوع قلم زده اند تنها به روایاتی استناد کرده اند که از طرق اهل سنت رسیده است، و این به جهت اثبات عقیده مهدویت و احتجاج با اهل سنت به روایات خود آن ها است. از جمله کتاب هایی را که با این روش می توان نام برد کتاب (المهدی) از سید صدرالدین صدر، و کتاب (المهدی الموعود المنتظر) از شیخ نجم الدین عسکری است.



معلوم است که این روش و منهج هرگز نمی تواند موضوع مهدویت را آن طور که مورد نظر اهل بیت علیهم السلام بوده ترسیم نماید، گرچه از جهاتی برای احتجاج با مخالفین و تأیید روایات امامیه مفید خواهد بود.

روش حدیثی نزد اهل سنت

اهل سنت نیز در موضوع مهدویت روش های مختلفی را در جانب احادیث این موضوع در پیش گرفته اند که بارزترین آن ها عبارت است از:

الف - اکتفا بر احادیث از طریق اهل سنت

در این روش مؤلفین تنها بر احادیث صحابه یا تابعین اکتفا نموده که از طریق خودشان رسیده است، و هرگز به احادیث شیعه امامیه در این موضوع توجه نکرده اند.

این نوع تألیف، بیشتر تألیفات حدیثی اهل سنت را در بر می گیرد، که از باب نمونه می توان از کتاب (اخبار المهدی) از عباد بن یعقوب رواجی (م 250 هجری)، و (جمع الاحادیث الواردة فی المهدی) از حافظ ابی بکر بن ابی خيثمهن زهير نسائی (م 279 هجری) و ده ها کتاب دیگر نام برد.

ص: 46

ب - نقل حدیث از اهل بیت علیهم السلام

عده ای دیگر از اهل سنت در تألیف خود توسعه ای داده و از اهل بیت علیهم السلام نیز در مصادر روایی مهدویت نقل روایت کرده اند، زیرا مشاهده نمودند که در مصادر شیعی



احادیثی به تفصیل وجود دارد که در منابع خودشان هرگز یافت نمی شود. از باب نمونه می توان از کتاب (الملاحم) نعیم بن حماد (ت 228 هجری) نام برد که روایات بسیاری از امام باقر علیه السلام در شأن امام مهدی علیه السلام نقل می کند. همین روش را نیز یوسف بن یحیی شافعی از علمای قرن هفتم هجری در کتاب (عقد الدرر فی اخبار المنتظر)، و متقی هندی در کتاب (البرهان فی علامات مهدی آخرالزمان) دنبال کرده اند. ولی آن ها تنها به روایاتی از اهل بیت علیهم السلام تمسک کرده اند که مربوط به علائم ظهور امام مهدی علیه السلام است.

ج - اثبات عقیده امامیه برخی دیگر از علمای اهل سنت در تألیفات خود در موضوع مهدویت درصدد اثبات عقیده شیعه امامیه از طریق روایات ائمه اهل بیت علیهم السلام برآمده اند.

آنان در تمام موضوعات و قضایای مهدویت از قبیل ولادت، غیبت و مسائل دیگر به روایات اهل بیت علیهم السلام یا روایاتی که از طرق آن ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده احتجاج کرده و آن ها را به اثبات رسانده اند. از بارزترین این گونه افراد می توان قندوزی حنفی در کتاب ارزشمند خود (ینایع الموده) نام برد. و همین روش را قبل از او جوینی شافعی در کتاب (فرائد السمطین) دنبال کرده است. گرچه این دسته از مؤلفین درصدد برآمده اند که روایات شیعه را با مرویات اهل سنت تقویت نمایند.

ص: 47

دو - روش کلامی و برهانی



در این روش مؤلف درصدد عرضه کردن مباحث مهدویت به صورت استدلالی و برهانی است، روشی که در خود روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به صورت گسترده و عمیق وارد شده است.

این روش درصدد تثبیت ایمان در قلوب شیعیان و به طور عموم، مسلمانان و دفع شبهاتی است که در مورد موضوع مهدویت وارد شده است. روشی که می توان حتی بر غیر مسلمین نیز مطرح نمود، خصوصاً با در نظر گرفتن این نکته که قضیه مهدویت و منجی بشریت قضیه ای عمومی و جهان شمولی است.

در نتیجه اهتمام اهل بیت علیهم السلام به این روش و اقتدای علمای امامیه به آن بزرگواران مطابق شرایط زمانی تألیفات فراوانی در این زمینه به منصّه ظهور رسید، که از جمله آن ها می توان به تألیفات شیخ مفید و سید مرتضی در این موضوع اشاره کرد. شیخ مفید رحمه الله در این باره پنج رساله مستقل از خود به یادگار گذاشته است، اضافه بر مسایلی که در لابلای کتاب های خود در موضوع مهدویت و تقویت مبانی کلامی آن آورده است. همچنین سید مرتضی رحمه الله برخی از تألیفات خود را به این موضوع مهم اختصاص داده که از آن جمله می توان از (المقنع فی الغیبه) و کتاب (الزیاده المکمل بها کتاب المقنع) نام برد. و این خط ادامه یافت تا این برهه از زمان که می توان به کتاب (بحث حول المهدی) و کتاب های دیگر اشاره کرد.

ص: 48

سه - روش مقارنی



از جمله تألیفاتی را که در مورد قضیه مهدویت شاهد آن بوده و هستیم، روش بحث مقارنی بین عقیده شیعه امامی و دیگر طوایف مسلمین در این موضوع است. روشی که در آن، هریک از فرق اسلامی دیدگاه خود را مطرح نموده و با دیدگاه دیگران مقارنه کرده و در آخر رأی خود را با دلایل گوناگون به اثبات رسانده است.

از شواهد و قراین استفاده می شود که این روش به عصر قدیم باز می گردد، و لذا این روش تألیفی را در کتب بزرگان از قدمای امامیه از قبیل شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی در فصولی از تألیفاتشان می یابیم.

از جمله کتاب هایی که می توان به در این زمینه نام برد که به طور مفصل نوشته شده کتاب (بیان الاشکال فیما حکى من امر المهدى من الأقوال) از ابو عبد الله حمیدان بن یحیی القاسمی حسنی از علمای قرن هفتم است.

و نیز کتاب (المهدی الموعود المنتظر عند علماء اهل السنه والامامیه) از نجم الدین عسکری را می توان در این زمینه نام برد. در این برهه از زمان نیز می توان از تألیفات ارزشمندی نام برد که در این زمینه به چاپ رسیده است که از جمله می توان به کتاب (مع المهدی المنتظر علیه السلام فی دراسه منهجیه مقارنه بین الفكر الشیعی و السنّی) از شیخ مهدی فتلاوی نام برد.

چهار - روش تحلیلی تاریخی

یکی دیگر از روش های تألیف در موضوع مهدویت که در زمان های اخیر پدید آمده، بحث تحلیل تاریخی در این موضوع است، روشی که در آن مؤلفان



در صدد ترسیم قضیه مهدویت از ابعاد گوناگون تاریخی آن می باشند، که می توان از بارزترین این نوع تألیف، به سه جلد کتاب سید محمد صدر یعنی (تاریخ الغیبه الصغری، تاریخ الغیبه الکبری، و تاریخ مابعد الظهور) اشاره کرد.

پنج - روش مقارنی بین ادیان

برخی دیگر در صدد عرض موضوع مهدویت در محدوده ای وسیع تر از مذاهب اسلامی برآمده و مسأله نجات و منجی بشریت را در آخرالزمان گسترش داده و با دیدگاهی وسیع، آراء ادیان مختلف را در این موضوع مهم، مورد بررسی قرار داده اند. خصوصاً آنکه در تورات و انجیل مشاهده می شود که به این موضوع زیاد پرداخته شده، و بشارات فراوانی در مورد منجی و نجات بخش در آخرالزمان در آن کتاب ها وارد شده است. از آن جمله تألیفات می توان از کتاب (بشارات العهدين) از دکتر صادقی و (المسیح الدجال) از سعید ایوب نام برد.

و برخی از مؤلفین پا را از این فراتر گذاشته دامنه بحث را نه تنها به ادیان آسمانی گسترش داده اند بلکه به ادیان غیر آسمانی از قبیل هندوئیسم و بودیسم نیز تعمیم داده اند. و نیز از این هم فراتر رفته موضوع را به مکاتب فلسفی عالم نیز سرایت داده اند که در این عصر و زمان در این نوع بحث، کتاب های بسیاری به زبان های مختلف تألیف شده است.

شش - روش تحلیل فلسفه تاریخ



برخی دیگر از مؤلفان درباره مهدویت، بحث خود را در زمینه فلسفه تاریخ یا به تعبیری دیگر تکامل تاریخ، که از جهتی مربوط به قضیه مهدویت و نجات است، کشانده و به این مسأله مهم از زوایای گوناگون آن پرداخته اند.

ص: 50

توجیه تکامل تاریخ با دو شیوه مختلف صورت می گیرد: یکی شیوه ابزاری و از نظری دیالکتیکی، و شیوه دیگر (انسانی یا فطری) است.

به عبارت دیگر: درباره تکامل تاریخ دو گونه بینش و دو گونه طرز تفکر «انتظار بزرگ» شکل و صورت و بلکه ماهیت خاص پیدا می کند. برخی از مؤلفان مهدویت از دیدگاه جامعه شناسی و فلسفه تاریخ به این موضوع پرداخته و نظر اسلام را بررسی کرده و امتیازاتش را بر نظر دیگر مکاتب فلسفی بیان داشته اند.

هفت - ضعف احادیث مهدویت

منکران مهدویت بعد از آنکه خود را در برابر دسته هایی از روایات در رابطه با ظهور حضرت دیدند در صدد برآمدند که موضع و موقفی صریح در برابر آن ها داشته باشند، آنان راهی جز این ندیدند که مجموعه این احادیث را انکار کرده و با ادله سست و واهی خود آن ها را رد نمایند. اینک به برخی از توجیحات آن ها اشاره کرده آن گاه به جواب تفصیلی می پردازیم:

کلمات مخالفین



1 - ابن خلدون می گوید: «مشهور بین کافه اهل اسلام در گذر زمان ها آن است که به طور حتم و قطعی مردی از اهل بیت علیهم السلام در آخرالزمان ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده و اقامه عدل خواهد نمود. مسلمانان او را متابعت نموده و بر ممالک اسلامی استیلا پیدا خواهد کرد. اسم او مهدی است... آنان در این زمینه به احادیثی استدلال می کنند که امامان حدیث در کتب خود ذکر کرده اند، و منکرین نیز در رابطه با آن ها سخن گفته اند... ولی

ص: 51

معروف نزد اهل حدیث این است که جرح مقدم بر تعدیل است، و لذا هرگاه طعنی در برخی از رجال سندها بیابیم مثل غفلت یا سوء رأی، به طور حتم این ها به صحت حدیث سرایت کرده و آن را سست می نماید...» (1)

او نیز بعد از عرضه کردن برخی از احادیث وارده در موضوع مهدویت و تضعیف آن ها می گویند: «این جمله از احادیثی است که امامان حدیث در شأن مهدی و خروج او در آخرالزمان نقل کرده اند، و این ها همان گونه که مشاهده می کنید به استثنای کمی یا کمتر از کمی از تضعیف خلاصی نمی یابند» (2)

عده ای دیگر از علمای اهل سنت همین خط را ادامه داده و در صدد تضعیف احادیث مهدویت برآمده اند که از جمله آن ها یکی از شیوخ ازهر «سعد محمد حسن» است. او در این باره می گوید: «علما و نقادین حدیث این مجموعه از احادیث را به طور وسیع به نقد کشیده و ابطال کرده اند، از جمله آن ها که به شدت با این روایات برخورد کرده «ابن خلدون» است» (3)



«محمدابوزهره» نیز در کتاب «الامام الصادق علیه السلام» می گوید: «علمای اهل سنت در سندهای روایاتی که سخن از مهدی به میان آورده بحث نموده و در آن ها خدشه وارد کرده اند، و لذا می گوئیم: این مسأله عقیدتی که نزد اهل سنت ثابت باشد نیست».(4)

ص: 52

1- 58. تاریخ ابن خلدون، ج 1، ص 311 - 312.

2- 59. همان، ص 322.

3- 60. المهدیهفی الاسلام، ص 69.

4- 61. الامام الصادق علیه السلام، ص 239.

«محمد فرید وجدی» نیز بعد از نقل پانزده روایت در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام می گوید: «بسیاری از امامان در حدیث، احادیث مهدی را تضعیف نموده اند و معتقدند که این گونه احادیث قابل نظر و تأمل نیست، و ما آن ها را به صورت دسته جمعی نقل نموده ایم تا در نظر هر شخص محقق این موضوع باشد، و هرگز برخی از غالیان آن ها را گمراه نسازند».(1)

«احمد امین مصری» همین خط فکری را دنبال کرده و از کلام «ابن خلدون» اظهار رضایت کرده است.(2)

«شیخ جبهان» در «تبدید الظلام» نیز گمان کرده که احادیث ظهور مهدی علیه السلام در کتاب های اهل سنت همگی باطل اند، و کتب جرح و تعدیل بر صحت آنچه او ادعا کرده گواهی داده است.(3)



«شیخ سائح لبیایی» در کتاب «تراثنا و موازین النقد» می گوید:

«ابن خلدون این احادیث را نقد کرده و حدیث به حدیث آن ها را تضعیف نموده است».(4)

نقد کلمات مخالفین

از آنجا که تکیه گاه کلام مخالفین بر سخن ابن خلدون است، لذا در نقد کلمات مخالفین به سخن او پرداخته و در نتیجه تمام سخنان آن ها را ابطال خواهیم کرد.

ص: 53

1- 62. دائرہالمعارف القرن العشرين، ج 10، ص 481.

2- 63. المهدی و المهدویہ، ص 108.

3- 64. تبذیر الظلام، ص 479 - 480.

4- 65. تراثنا و موازین النقد، ص 187.

1 - ابن خلدون هنگامی که اسامی کسانی که احادیث مهدی علیه السلام را ذکر می کنند، بر می شمارد استقصا نکرده و بسیاری از آنان را نام نمی برد، کسانی که سابق بر او یا معاصر با او بوده و احادیث مهدویت را نقل کرده اند. ما در فصلی جداگانه آن ها را نام خواهیم برد.

2 - و نیز هنگامی که اسامی صحابه ای که احادیث مهدویت را نقل کرده اند نام می برد به تعداد کمی از آن ها اشاره می کند در حالی که ناقلین این نوع احادیث از اصحاب بسیار بیشتر از آنانند که ایشان نام برده است. «شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد» در گفتاری در این زمینه اسامی {26} نفر از صحابه را ذکر کرده است.(1)



3- همو می گوید: «ابن خلدون شخصی مورّخ است نه فردی از رجال حدیث، لذا به تصحیح یا تضعیف او توجّهی نمی شود، اعتماد در این زمینه به امثال بیهقی، عقیلی، خطابی، ذهبی، ابن تیمیه، ابن قیّم و دیگران از اهل روایت و درایت است. کسانی که قایل به صحّت بسیاری از احادیث حضرت مهدی علیه السلام بوده اند. کسانی که در این زمینه به ابن خلدون رجوع کرده اند همانند کسانی هستند که قصد جوی آب کرده و دریاها را جوشان و خروشان را رها نموده اند. عملکرد ابن خلدون در این زمینه همانند شخصی ناشی در طبّ است که با تمام طبیبان به مخالفت پرداخته است».⁽²⁾

4- این که ابن خلدون می گوید: جرح مقدم بر تعدیل است نزد اهل سنت

ص: 54

1- 66. عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر، ص 128.

2- 67. همان، الامام المهدی عند اهل السنه، ج 2، ص 449.

عمومیّت ندارد، زیرا منشأهای جرح نزد آنان متفاوت و مختلف است، برخی با کمترین جهت راویان را تضعیف می کنند، و لذا دانشمندان علوم حدیث شرط کرده اند که علت جرح و طعن باید تفسیر شود که به چه جهتی بوده است.

خطیب بغدادی بعد از آنکه نمونه هایی از تضعیفات را ذکر می کند که قابل اعتماد نیست، می گوید: «این که جارح می گوید: فلان شخص ثقه نیست، احتمال دارد که از همین قبیل باشد، لذا باید سبب جرح تفسیر گردد».⁽¹⁾



«قاضی سبکی» می گوید: «بر حذر باش از این که قاعده (الجرح مقدم علی التعديل) را به اطلاق و عموم حمل کنی، بلکه صواب آن است که هر کس امامت و عدالت او به اثبات رسیده و مدح کنندگان آن زیاد و جرح کنندگان او قلیل اند، و قرینه ای بر سبب جرح او از قبیل تعصب مذهبی یا جهات دیگر نباشد هرگز التفات به جرح و طعن او نمی شود...» (2)

«ابن حجر عسقلانی» می گوید: «این که به طور مطلق جماعتی از علما می گویند: (جرح مقدم بر تعديل است) حرف صحیحی نیست، بلکه این حرف در صورتی قابل قبول است که از کسی که عارف به اسباب جرح باشد بیان شده باشد؛ زیرا در غیر این صورت، هرگز به کسی که عدالتش ثابت شده جرح تفسیر نشده ضرری نمی رساند. و اگر جرح از شخصی وارد شده باشد که هیچ آگاهی به اسباب آن ندارد اصلاً هیچ اعتباری بر آن نیست...» (3)

همین مضمون نیز از نووی، سخاوی، سیوطی، سندی و دیگران وارد شده است. (4)

ص: 55

1- 68. الکفایه فی علم الروایه، ص 139.

2- 69. طبقات الشافعیه، ج 4، ص 188.

3- 70. نخبهالفکر ابن حجر، ص 232.

4- 71. الرفع و التکمیل، ص 58.

«دکتر عبدالحکیم بستوی» می گوید: «حتی در صورتی که جرح در روایاتی به اثبات برسد، هر جرحی روایت را از اعتبار ساقط نمی کند، بلکه برخی از جرح ها است که شدید بوده



و مستلزم ترک روایات است، و برخی تا به این حد نیست، بلکه راوی متصف به جرح با غیر خود از کسانی که دارای اعتبارند تقویت شده و روایتش قابل احتجاج است».(1)

به همین جهت است که بسیاری از علمای اهل سنت در صدد ردّ و تضعیف ابن خلدون برآمده و از اشکالات او جواب داده اند که از آن جمله می توان از اشخاصی همانند: علامه صدیق حسن خان در کتاب «الاذاعه لما کان و مایکون بین یدی الساعه» شیخ محدث شمس الحقّ عظیم آبادی در «عون المعبود»، علامه عبدالرحمن مبارکفوری در «تحفه للاحوذی»، شیخ محدث احمدشاکر در حواشی خود بر «مسند احمد بن حنبل»، شیخ عبدالله بن محمد صدیق در «ابراز الوهم المکنون» و ناصرالدین البانی در «تخریح احادیث فضائل شام و دمشق» نام برد.(2)

دکتر بستوی نیز می گوید: «ابن خلدون احادیث وارده در مورد امام مهدی علیه السلام را احصا نکرده است، تنها جزء کمی از آن ها را ذکر کرده، و هنگام تضعیف آن ها نیز چاره ای جز آن ندیده که به صحت سند برخی از آن ها اعتراف کند... آیا همین مقدار اسناد صحیح قابل استدلال نیست؟

ص: 56

-
- 1- 72. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص 364 - 365.
 - 2- 73. الاذاعه، ص 162، عون المعبود، ج 11، ص 243، تحفه للاحوذی، ج 6، ص 401، مسند احمد، ج 5، ص 197، الامام المهدی عنداهل السنه، ج 2، ص 251، فضائل الشام و دمشق، ص 100.



آن گاه بستوی {46} روایت با سند صحیح و حسن در باب قضیه مهدویت ذکر می کند.⁽¹⁾

«عظیم آبادی» نیز در «عون المعبود» می گوید: «امام مورخ عبدالرحمن ابن خلدون در تاریخ خود در تضعیف احادیث مهدی مبالغه کرده و به صواب نرفته بلکه خطا کرده است».⁽²⁾

«شیخ محمد حبیب الله شنقیطی» نیز در کتاب خود «الجواب المقنع المحرر فی اخبار عیسی و المهدی المنتظر» بر ابن خلدون به جهت تضعیف احادیث مهدی ایراد گرفته است.⁽³⁾

«علامه احمد محمد شاکر» بعد از آن که برخی از احادیث وارده در شأن امام مهدی علیه السلام را در تحقیق خود بر کتاب «مسند احمد» تصحیح کرده، شدیداً بر ابن خلدون به جهت تضعیف احادیث مهدویت حمله کرده است و می گوید: «ابن خلدون از اموری که علم آور نیست پیروی کرده و دست به کاری زده که اهلیت آن را نداشته است. او کسی است که اوقات خود را مشغول به سیاست و امور دولتی نموده، و خدمت گذار ملوک و امیران بوده است، لذا گمان کرده که قضیه مهدی یک عقیده شیعی است یا این که نفسش او را به توهم انداخته است. ابن خلدون به طور صحیح کلام محدثین را نفهمیده است که می گویند: «جرح مقدم بر تعدیل» است، و اگر بر اقوال و فقه آنان مطلع می گشت هرگز چنین حرف هایی را نمی زد. گویا چیزی در این زمینه خوانده و دانسته ولی به

ص: 57

1- 74. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص 366.

2- 75. عون المعبود، ج 11، ص 243.



3-76. فتح المنعم، ج 1، ص 331.

جهت غلبه رأی سیاسی در عصرش دست به تضعیف احادیث مهدی زده است»⁽¹⁾.

«شیخ محمد مغربی» نیز می گوید: «برخی به تقلید از ابن خلدون در صدد طعن بر احادیث خروج مهدی آخر الزمان برآمده و آن ها را باطل دانسته اند، در حالی که ابن خلدون در مذهب خود فقیه نبوده تا چه رسد به آنکه محدث باشد، و تا چه رسد به این که مصحح احادیث باشد... از جمله غلط های فاحش که در بسیاری از خواص مردم پیدا شده تا چه رسد به عوام آن ها، قضاوت کردن بر کلّ است به حکم بعض، او به جهت ضعف برخی از اسناد روایات، تمام آن ها را از خرافات رافضه و دسائس آن ها دانسته است...»⁽²⁾

«شیخ محمد جعفر کتانی» می نویسد: «اگر خوف طولانی شدن نبود در اینجا بخشی از احادیث مهدی علیه السلام را ذکر می کردم؛ زیرا مشاهده نمودم که عده ای از مردم در امر مهدی تشکیک کرده اند و می گویند: آیا احادیث مهدی قطعی است یا خیر؟ بسیاری از آنان به کلام ابن خلدون اعتماد کرده اند، با آنکه او اهل این کار نبوده است. حقّ آن است که در هر فنی رجوع به متخصصین آن شود...»⁽³⁾

«شیخ محمود بن عبدالله تویجری» می نویسد: «وسیله ای که ابن خلدون با آن احادیث مهدی را قربال کرده پارگی زیادی داشته و هیچگاه مضبوط

ص: 58

1-77. مسند احمد، ج 5، ص 197.

2-78. سیدالبشر يتحدث عن المهدی المنتظر، ص 58 و 59.



3- 79. نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص 228.

و محکم نبوده است، لذا بسیاری از احادیث صحیح و حسن که در باب مهدی وارد شده از قریب او خارج شده و تنها عدد خیلی در آن باقی مانده است».(1)

تواتر احادیث فریقین بر ظهور حضرت مهدی علیه السلام

گروهی از علمای اهل سنت که تخصصی در فن حدیث دارند ادعای تواتر احادیث امام مهدی علیه السلام را کرده که با وجود این تواتر احتیاج به بررسی سندی احادیث نیست. و گروهی دیگر احادیث مهدویت را نسبت به صحت داده اند. اینک به عبارات برخی از آن ها را اشاره می کنیم:

1 - ابن قیم جوزیه

او بعد از ذکر برخی از احادیث مهدی منتظر می گوید: «این احادیث بر چهار قسم است: بخشی صحیح و بخشی دیگر حسن و برخی غریب و تعدادی دیگر موضوع و جعلی است».(2)

2 - جلال الدین سیوطی

او در کتاب «الحاوی للفتاوی» می گوید: «احادیثی که از پیامبر وارد شده و نصّ بر خروج مهدی از عترت پیامبر و از اولاد فاطمه است به اثبات رسیده و قابل استناد است».(3)

آن گاه از ابوالحسن محمد بن حسین بن عاصم سحری نقل می کند که:

ص: 59



1- 80. الاحتجاج بالاثار، ص 202.

2- 81. المنار المنيف في الصحيح والضعيف، ص 135 - 141.

3- 82. همان، ص 170 - 171.

«اخبار متواتر و مستفیض با کثرت راویان آن ها از پیامبر صلی الله علیه و آله در امر ظهور مهدی علیه السلام وارد شده است، کسی که از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله است و هفت سال حکومت کرده و زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد...»⁽¹⁾

3 - علامه مناوی

او می گوید: «اخبار مهدی فراوان و مشهور است، و گروهی آن ها را در کتابی تألیف نموده اند»⁽²⁾.

4 - حافظ بن حجر عسقلانی

«اخبار به حدّ تواتر دلالت دارد بر این که مهدی از این امت (اسلام) است و به راستی عیسی بن مریم از آسمان فرود می آید و پشت سر او به نماز می ایستد»⁽³⁾.

5 - قاضی شوکانی

«احادیث مهدی بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه عنوان تواتر با کمتر از این مقدار نیز بر این احادیث صدق می کند، آن هم با تمام اصطلاحاتی که در علم اصول برای تواتر و خبر متواتر است»⁽⁴⁾.

6 - ابن حجر هیتمی



«احادیثی که در آن ها اشاره به ظهور مهدی است بسیار زیاد و در حدّ تواتر است».(5)

ص:60

1- 83. الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 128.

2- 84. فیض القدیر، ج 6، ص 362، ح 9245.

3- 85. فتح الباری، ج 5، ص 362.

4- 86. ابراز الوهم المکنون، ص 4، به نقل از رساله التوضیح شوکانی.

5- 87. صواعق المحرقة، ج 2، ص 211.

7 - تفتازانی

«از جمله اموری که به باب امامت ملحق می شود خروج مهدی و نزول عیسی است، که این

دو از علائم قیامت بوده و در این باره خبرهای صحیحی وارد شده است».(1)

8 - قرمانی دمشقی

علما بر این امر اتفاق کرده اند که مهدی همان قیام کننده در آخرالزمان است، و اخبار ظهور

آن حضرت یکدیگر را تأیید می کنند، و روایات بر اشراق نورش در حدّ زیاد وجود دارد.

و به زودی ظلمت و تاریکی شب ها و روزها به روشنایی وجود او منور می گردد و تاریکی

ها به رؤیت و دیدار او همانند بیرون آمدن صبح از ظلمت شب از بین خواهد رفت. عدل او

در افق ها سیر خواهد کرد و پر نورتر از ماه منیر در مسیرش خواهد بود».(2)

9 - مبارکفوری



«بدان که مشهور بین تمام مسلمانان در طول زمان ها این است که به طور حتم در آخرالزمان شخصی از اهل بیت علیهم السلام ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کرده، عدل را در میان جامعه ظاهر می کند و مسلمین به دنبال او می روند و او بر ممالک اسلامی سلطه پیدا خواهد کرد، او را مهدی می نامند».(3)

10 - احمد بن محمد بن صدیق

«ایمان به خروج مهدی واجب، و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق خبر پیامبر صلی الله علیه و آله حتمی و ثابت است، همان گونه که در عقائد اهل سنت و جماعت از

ص: 61

1- 88. شرح مقاصد، ج 2، ص 62.

2- 89. اخبار الدول و آثار الأول، ج 1، ص 463.

3- 90. تحفها لا حودی بشرح جامع الترمذی، ذیل حدیث 2331.

جميع مذاهب اسلامی تدوین شده و نیز در دفاتر علمای امت با اختلاف طبقات و مراتب آن
تقریر گردیده است».(1)

11 - سفارینی حنبلی

«ایمان به خروج مهدی واجب است همان گونه که نزد اهل علم تقریر یافته و در عقائد اهل
سنت و جماعت تدوین شده است».(2)



او نیز می گوید: «از جمله علائم قیامت که در روایات به آن اشاره شده و بر مضمون آن اخبار متواتر رسیده ظهور امامی است که به اقوال و احوال او اقتدا می شود، او خاتم امامان است لذا بعد از او امامی نیست همان گونه که پیامبر، خاتم نبوت و رسالت بوده و بعد از او نبوت و رسالتی نیست. اسم او محمد و مشهورترین اوصاف او مهدی است...» (3)

12 - سید محمد صدیق حسن

«احادیث وارده در موضوع مهدی از مقداری که می توان بر آن ها دسترسی یافت پنجاه حدیث است که در بین آن ها احادیث صحیح، حسن و ضعیفی که ضعفش جبران شده وجود دارد. این احادیث بدون شک و شبهه متواتر است، بلکه وصف تواتر بر کمتر از این مقدار نیز صادق است...» (4)

13 - ابوالخطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی

«در بین سندهای احادیث مهدویّ احادیث صحیح و حسن و ضعیف وجود دارد، ولی ابن خلدون مغربی در تاریخ خود در تضعیف این احادیث مبالغه

ص: 62

1- 91. ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون، ص 433.

2- 92. الاذاعه، ص 146.

3- 93. اخبار الدول و آثار الاول، ج 1، ص 354.

4- 94. الاذاعه، ص 125.



کرده است، و لذا به خطا رفته و حقّ مطلب را ادا نکرده است».(1)

14 - شیخ ابوالحسین آبری

«اخبار در حدّ تواتر با کثرت راویان از پیامبر صلی الله علیه و آله خبر از آمدن مهدی داده اند، کسی که هفت سال بر کلّ کره زمین حکومت خواهد نمود، و در آن هنگام زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد...».(2)

15 - برزنجی

«احادیث وارده در امر مهدی با اختلاف روایاتش حصر و حدّی ندارد. محمد بن حسن أسنوی در کتاب «مناقب الشافعی» ادّعی تواتر روایات از رسول خدا درباره حضرت مهدی را نموده است».(3)

16 - احمد بن محمد بن صدیق

«اخبار در حدّ تواتر دلالت دارد بر این که ظهور مهدی از نشانه های قیامت است. روایات صحیح در این موضوع از رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده، و ذکر مهدی علیه السلام شایع شده و خبرش بین عموم مسلمانان در تمام عصرها منتشر شده است.

پس ایمان به خروج او واجب و اعتقاد به ظهورش به جهت تصدیق خبر رسول خدا صلی الله علیه و آله حتمی و لازم است، همان گونه که در عقاید اهل سنت و جماعت از تمام مذاهب تدوین یافته و در دفاتر علمای اُمّت با اختلاف طبقات و مراتب مقرر شده است».(4)

ص: 63



1- 95. عون المعبود، ج 11، ص 243.

2- 96. نظم المتناثر من الحديث المتواتر، ص 225.

3- 97. الاشاعه لأشراط الساعة، ص 139.

4- 98. ابراز الوهم المكنون من كلام ابن خلدون، ص 433.

17 - شيخ محمد خضر حسين

وی در سخنان خود می گوید: «...ابن خلدون اعتراف کرده که برخی از احادیث مهدی نقدپذیر نیست، و موضوع مهدویت از آن جهت که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به آن خبر داده می توان با یک روایت صحیح نیز ثابت نمود و به مضمون آن علم حاصل کرد...» (1)

18 - ابوالاعلی مودودی

«روایات خروج مهدی متحمل حقیقتی اساسی است و قدر مشترک همه آن ها این است که پیامبر صلی الله علیه وآله خبر داده که در آخرالزمان رهبری عامل به سنت ظهور می کند، آن گاه زمین را پر از عدل و داد کرده و از روی آن اسباب ظلم و تعدی را محو می نماید...» (2)

19 - احمد زینی دحلان

«احادیثی که در آن ها یادی از مهدی است فراوان و در حدّ تواتر است. در میان آن ها احادیث صحیح، حسن، و ضعیف وجود دارد، ولی به جهت کثرت آن ها و فراوانی راویان و تخریج کنندگان آن ها، یکدیگر را تقویت می کنند، و لذا می تواند افاده قطع کند. آنچه



مورد قطع است این که ظهور او حتمی و از اولاد فاطمه است، و زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود...» (3)

20 - شیخ منصور علی ناصف

«مشهور بین علمای گذشته و حال این است که در آخرالزمان به طور حتم

ص: 64

1 - 99. مجله «التمدن الاسلامی» دمشق، شماره 35 و 36، ج 16.

2 - 100. البینات، ص 116.

3 - 101. الفتوحات الاسلامیه، ص 299 - 300.

مردی از اهل بیت علیهم السلام به نام (مهدی) ظهور کرده و بر ممالک اسلامی استیلا خواهد نمود... این احادیث را جماعتی از بهترین صحابه نقل کرده اند و بزرگان از محدثین امثال: ابی داوود، ترمذی، ابن ماجه، طبرانی، ابی یعلی، بزار، امام احمد و حاکم نقل کرده اند. و به خطا رفته کسی که احادیث مهدی را تضعیف کرده است... (1)

21 - شیخ ناصرالدین البانی

«همانا عقیده به خروج مهدی عقیده ای است ثابت و متواتر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که ایمان به آن واجب است؛ زیرا این عقیده از امور غیب است که ایمان به آن در قرآن کریم از صفات پرهیزکاران شمرده شده است...» (2).

22 - شهید سید محمدباقر صدر رحمه الله



«به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر و تبدیل جهان به جهانی بهتر در احادیث پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله به طور عموم و به ویژه در روایات اهل بیت علیهم السلام آمده است.

در روایات فراوان به حدی بر این مسأله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد. و تنها از طریق برادران اهل سنت حدود چهارصد روایت از پیامبر صلی الله علیه وآله درباره حضرت مهدی علیه السلام احصا و شماره شده است، همان گونه که مجموعه روایات مهدویت که از طریق شیعه و سنی رسیده و شمارش شده، بیش از شش هزار روایت برآورد شده است و این رقم بزرگی

ص: 65

1- 102. التاج الجامع للاصول، ج 5، ص 341.

2- 103. مجله «التمدن الاسلامی»، شماره 22، ص 643، چاپ دمشق.

است که در بسیاری از قضایای اسلامی بدیهی برای آن نظیری نیست؛ قضایایی که معمولاً مسلمانان در آن تردید نمی کنند»⁽¹⁾.

روایات صحیح السند

اهل سنت از آنجا که موضوع ظهور مهدی موعود را از جمله خبرهایی می دانند که پیامبر صلی الله علیه وآله به آن بشارت داده، لذا از این جهت در صورتی که ولو یک روایت صحیح در این زمینه وجود داشته باشد اعتقاد و ایمان به آن را واجب می دانند.



حمود بن عبدالله تویجری می گوید: «هرچه به طریق صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله رسیده و حضرت به آن خیر داده ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است؛ زیرا در راستای اعتراف و شهادت به رسالت اوست، خداوند متعال می فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (2) احمد بن حنبل گفته است هر آنچه از پیامبر به سند صحیح به اثبات رسیده به آن اقرار و اعتراف می کنیم، و اگر چنین نکنیم امر را بر خدا ردّ نموده ایم، خداوند متعال می فرماید: «مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا». موفق ابومحمد مقدسی نیز در کتاب «لمعه الاعتقاد» گفته است: «واجب است ایمان به هرچه که رسول خداصلی الله علیه وآله به آن خبر داده و خبر صحیح بر آن دلالت دارد...» (3)

ص: 66

104- بحث حول المهدی، ص 63.

105-2. سوره نجم، آیه 3 و 4.

106-3. اتحاف الجماعه، ج 1، ص 6.

او در جایی دیگر می گوید: «در وجوب ایمان به خبرهای غیبی تواتر شرط نیست، همان گونه که برخی از اهل بدعت ها و متابعیانشان چنین گمان کرده اند... بلکه هر خبر غیبی که به سند صحیح از رسول خداصلی الله علیه وآله ثابت شده ایمان به آن واجب است، خواه آن خبر متواتر باشد و یا واحد، و این قول اهل سنت و جماعت است... آن گاه برای اثبات مدعای خود به آیه «نبا» تمسک می کند» (1)



دکتر محمد احمد اسماعیل مقدم می گوید: «هر حدیثی که به طور صحیح از رسول خداصلی الله علیه وآله رسیده ایمان به آن بر هر مسلمانی واجب است، و این از لوازم شهادت به نبوت و رسالت پیامبر اسلام است.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «امر شده ام که با مردم قتال کنم تا شهادت به لا اله الا الله داده و به من و آنچه را که آورده ام ایمان آورند، اگر چنین کنند خون ها و اموالشان از ناحیه من محفوظ بوده و حسابشان بر خداوند است».(2)

شافعی می گوید: «هرگاه ثقه ای از ثقه ای خبری را از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل کرد آن خبر ثابت است، و هرگز حدیثی را نباید از رسول خدا ترک کرد مگر در صورتی که برای آن مخالفی وجود داشته باشد».(3)

و نیز از احمد بن حنبل نقل شده که گفت: هر کس حدیث رسول خداصلی الله علیه وآله را رد کند بر لب پرتگاه هلاکت قرار خواهد گرفت.(4)

ص: 67

1- 107. پیشین، ص 7.

2- 108. صحیح بخاری، ج 3، ص 211، المهدی وفقه اشراف الساعه، ص 23 - 24.

3- 109. الرد القویم علی المجرم الاثیم، ص 2 - 3.

4- 110. همان.



«بربهاری» می گوید: «هرگاه شنیدی که شخصی در اخبار طعن می زند و آن ها را قبول نمی کند یا چیزی از اخبار پیامبر را انکار می کند او را در اسلامش متهم ساز، زیرا او کسی است که در مذهب و گفتار پست است...» (1)

در رابطه با احادیث صحیح السند درباره حضرت مهدی علیه السلام و ظهور او، روایات فراوانی وجود دارد که در کتاب های اهل سنت به چشم می خورد. از میان آن روایات انبوه تعداد بسیاری را دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی در کتاب خود «المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه» نقل کرده و هر کدام را با طرق مختلف آورده و بررسی سندی نموده است و در آخر به درایه آن ها پرداخته و هر کدام را به نحوی تصحیح سندی نموده است.

راویان احادیث ظهور حضرت مهدی علیه السلام از صحابه

در مصادر حدیثی اهل سنت از ده ها نفر از صحابه احادیث مهدویت نقل شده است. اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

1 - امام امیرالمؤمنین علیه السلام (2).

2 - ابوامامه باهلی، صدّی بن عجلان (3).

3 - ابویوب انصاری (4).

4 - ابوسعید خدری (5).

5 - ابوسلمی (6).



1- 111. طبقات الحنابلة، ج 2، ص 25.

2- 112. سنن ابی داود، ج 2، ص 311، ح 4290.

3- 113. البیان، گنجی شافعی، ص 137.

4- 114. المعجم الصغير، ج 1، ص 37.

5- 115. سنن ابی داود، ج 2، ص 319.

6- 116. فرائد السمطين، ج 2، ص 319.

6 - ابوالطفیل عامر بن واثله. (1)

7 - ابولیلی. (2)

8 - ابووائل. (3)

9 - ابوهریره. (4)

11 - تمیم الد. (5)

12 - ثوبان مولی رسول الله صلی الله علیه وآله. (6)

13 - جابر بن سمره. (7)

14 - جابر بن عبدالله انصاری. (8)

15 - جابر بن عبدالله صدفی. (9)

16 - امام حسن بن علی علیهما السلام. (10)



17 - امام حسین بن علی علیهما السلام. (11)

18 - سلمان فارسی. (12)

19 - طلحه بن عبیدالله. (13)

20 - عباس بن عبدالمطلب. (14)

ص: 69

-
- 1- 117. مسند احمد، ج 1، ص 99.
 - 2- 118. مناقب خوارزمی، ص 61.
 - 3- 119. عقد الدرر، ص 45 و 65.
 - 4- 120. صحیح بخاری، ج 2، ص 178.
 - 5- 121. العرائس، ثعلبی، ص 210.
 - 6- 122. سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1367، ح 4084.
 - 7- 123. البرهان، متقی هندی، ص 175.
 - 8- 124. مسند احمد، ج 3، ص 384.
 - 9- 125. المعجم الکبیر، ج 22، ص 374.
 - 10- 126. ینابیع الموده، ج 3، ص 393، ح 39.
 - 11- 127. البرهان، متقی هندی، ص 94.
 - 12- 128. مقتل الحسین علیه السلام، خوارزمی، ج 1، ص 212.
 - 13- 129. البرهان، هندی، ص 71.



14- 130. المهدی المنتظر، ابن صدیق، ص 12.

21 - عبدالرحمن بن عوف. (1)

22 - عبدالرحمن بن حرث. (2)

23 - عبدالله بن عباس. (3)

24 - عبدالله بن عمر بن خطاب. (4)

25 - عبدالله بن عمرو بن عاص. (5)

26 - عبدالله بن مسعود. (6)

27 - عثمان بن ابی العاص. (7)

28 - عثمان بن عفان. (8)

29 - علقمهبین عبدالله. (9)

30 - علی الهلال. (10)

31 - عمار بن یاسر. (11)

32 - عمر بن خطاب. (12)

33 - عمران بن حصین. (13)

34 - عمرو بن عاص. (14)



35 - عمرو بن مرّه جهنی. (15)

ص: 70

-
- 1- 131. البیان، گنجی شافعی، ص 139.
 - 2- 132. سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1368، ح 4088.
 - 3- 133. الفصول المهمه، ابن صباغ، ص 275.
 - 4- 134. الفصول المهمه، ص 274.
 - 5- 135. البیان، گنجی، ص 131 - 133.
 - 6- 136. الفصول المهمه، ص 276.
 - 7- 137. مسند احمد، ج 4، ص 216.
 - 8- 138. المهدي المنتظر، صديق مغربي، ص 12.
 - 9- 139. سنن ابن ماجه، ج 2، ص 1366، ح 4082.
 - 10- 140. مجمع الزوائد، ج 9، ص 165.
 - 11- 141. البرهان، ص 75 و 151.
 - 12- 142. البرهان، ص 86.
 - 13- 143. مسند احمد، ج 4، ص 437.
 - 14- 144. البرهان، ص 119.
 - 15- 145. المهدي المنتظر، ابن صديق، ص 13.

36 - عوف بن مالک. (1)

37 - قتاده بن نعمان. (2)



38 - قرّبن ایاس مزنی. (3)

39 - کعب الاحبار. (4)

40 - کعب بن علقمه. (5)

41 - معاذ بن جبل. (6)

42 - فاطمه زهراء علیها السلام. (7)

43 - امّ سلمه. (8)

44 - عائشه. (9)

45 - امّ حبیب. (10)

قائلین به صحت احادیث مهدویّت

گروهی از علمای اهل سنت تصریح به صحت یا حسن بودن احادیث مهدویّت نموده و برخی نیز به تواتر آن ها تصریح کرده اند، اینک به اسامی برخی از آن ها اشاره می کنیم:

ص: 71

1- 146. المعجم الکبیر، ج 18، ص 51، ح 91.

2- 147. البرهان، ص 77.

3- 148. ینابیع الموده، ج 2، ص 100، ح 368.



- 4- 149. عقدالدور، ص 237.
- 5- 150. البرهان، ص 149 - 151.
- 6- 151. ابرازالوهم المکنون، احمد بن محمد بن صدیق، ص 438.
- 7- 152. فرائدالسمطين، ج 2، ص 139.
- 8- 153. سنن ابی داود، ج 2، ص 310.
- 9- 154. الفتن، نعیم بن حمّاد، ص 229، عقدالدور، ص 37.
- 10- 155. البرهان، ص 117 - 118.

1 - ترمذی. (1)

2 - حافظ ابو جعفر عقیل. (2)

3 - بر بهاری. (3)

4 - محمد بن حسین آبری. (4)

5 - حاکم نیشابوری. (5)

6 - امام بیهقی. (6)

7 - بغوی. (7)

8 - ابن اثیر. (8)

9 - قرطبی مالکی. (9)



10 - ابن منظور. (10)

11 - ابن تیمیه. (11)

12 - حافظ جمال الدین مزّی. (12)

13 - ذهبی. (13)

14 - ابن قیم. (14)

ص: 72

1- 156. صحیح ترمذی، ج 3، ص 343، ح 2331 و 2332 و 2333 و 2334.

2- 157. الضعفاء الکبیر، ج 4، ص 380.

3- 158. شرح السنه.

4- 159. مناقب شافعی به نقل از المنار المنیف، ص 130.

5- 160. المستدرک علی الصحیحین، ج 4، ص 465.

6- 161. به نقل از المنار المنیف، ص 130.

7- 162. مصابیح السنه، ج 3، ص 493.

8- 163. النهایه، ج 5، ص 220.

9- 164. التذکره، ج 2، ص 299.

10- 165. لسان العرب، ج 15، ص 354.

11- 166. منهاج السنه، ج 4، ص 211.

12- 167. تهذیب الکمال، ج 25، ص 150.



13- 168. تلخیص المستدرک، ج 4، ص 463.

14- 169. المنار المنیف، ص 130 - 135.

15 - ابن کثیر. (1)

16 - تفتازانی. (2)

17 - نورالدین هیثمی. (3)

18 - شیخ محمد جزری دمشقی شافعی. (4)

19 - احمد بن ابی بکر بویصری. (5)

20 - ابن حجر عسقلانی. (6)

21 - سیوطی. (7)

22 - شیخ عارف عبدالوہاب شعرانی. (8) 561.

23 - ابن حجر ہیتمی (9)

24 - متقی ہندی. (10)

25 - شیخ مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی. (11)

26 - محمد بن عبدالرسول برزنجی. (12)

27 - محمد عبد الباقي زرقانی. (13)



28 - ابوالعلاء عراقی. (14)

ص: 73

-
- 1- 170. النهایه فی الفتن و الملاحم، ص 45 - 53.
 - 2- 171. شرح مقاصد، ج 5، ص 312.
 - 3- 172. مجمع الزوائد، ج 7، ص 314.
 - 4- 173. أسنی المطالب ص 129.
 - 5- 174. مصباح الزجاجة، ج 3، ص 263.
 - 6- 175. تهذیب التهذیب، ج 9، ص 125.
 - 7- 176. الجامع الصغير، ج 2، ص 522 و 553.
 - 8- 177. الیواقیت و الجواهر، ج 2، ص 2.
 - 9- 178. الصواعق المحرقة، ص 163، القول المختصر، ص 26.
 - 10- 179. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان.
 - 11- 180. فرائد فوائد الفکر، ص 60 و 68.
 - 12- 181. الاشاعه لأشراط الساعه، ص 139.
 - 13- 182. شرح المواهب اللدنیّه.
 - 14- 183. شرح احياء المیت فی فضائل آل البيت از سیوطی.

29 - شیخ محمد بن احمد سفارینی حنبلی. (1)

30 - سید محمد مرتضی حسینی واسطی حنفی زبیدی. (2)



31 - شیخ محمد بن علی صبان. (3)

32 - محمد امین سویدی. (4)

33 - شوکانی. (5)

34 - محمد بن حسن بن مؤمن شبلنجی. (6)

35 - احمد بن زینی دحلان. (7)

36 - شهاب الدین احمد بن اسماعیل حلوانی شافعی. (8)

37 - محمد بلیسی شافعی. (9)

38 - ابوالبرکات آلوسی حنفی. (10)

39 - ابوالطیب محمد شمس الحق عظیم آبادی. (11)

40 - مبارکفوری. (12)

41 - شیخ منصور علی ناصف. (13)

42 - شیخ خضر حسین مصری. (14)

ص: 74



- 2- 185. تاج العروس، ج 2، ص 332.
- 3- 186. اسعاف الراغبین، ص 145 - 161.
- 4- 187. سبائك الذهب، ص 78.
- 5- 188. بنابر نقل قنوجی در الاذاعه، ص 126.
- 6- 189. نورالابصار، ص 185.
- 7- 190. الفتوحات الاسلامیه، ج 2، ص 290.
- 8- 191. القطر الشهدی، ص 68.
- 9- 192. العطر الوردی، ص 5.
- 10- 193. علامات الساعه.
- 11- 194. نظم المتناثر، ص 225.
- 12- 195. تحفها لاهودی، ج 6، ص 393.
- 13- 196. التاج الجامع للاصول، ج 5، ص 3419.
- 14- 197. مجله التمدن الاسلامی.

43 - ابوالاعلی مودودی. (1)

44 - ناصرالدین البانی. (2)

45 - شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد. (3)

46 - شیخ حمود بن عبد الله تویجرى. (4)

47 - شیخ عبدالعزيز بن عبد الله بن باز. (5)



حکم منکر مهدی علیه السلام

گروهی از علمای اهل سنت ایمان به خروج مهدی علیه السلام را واجب دانسته و گروهی دیگر نیز منکران را کافر دانسته اند.

احمد بن محمد بن صدیق می گوید: «ایمان به خروج مهدی واجب، و اعتقاد به ظهور او به جهت تصدیق پیامبر صلی الله علیه وآله حتمی و ثابت است...» (6).

همین تعبیر نیز از سفارینی حنبلی (7)، ناصرالدین البانی (8) و عبدالمحسن بن حمد العباد (9) رسیده است.

فقیه شافعی ابن حجر تصریح کرده که انکار مهدی اگر موجب انکار سنت از اصل و اساس گردد سبب کفر می شود و هر کسی چنین کند قتلش واجب

ص: 75

1- 198. البینات، ص 116.

2- 199. مجله تمدن اسلامی.

3- 200. عقیده اهل السنه و الاثر فی المهدی المنتظر.

4- 201. الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، ص 70 - 71.

5- 202. الامام المهدی عند اهل السنه، ج 2، ص 432.

6- 203. ابراز الوهم المکنون، ص 433.

7- 204. الاذعاعه، ص 146.

8- 205. مجله «التمدن الاسلامی» شماره 22، ص 643، چاپ دمشق.



است و اگر انکار او تنها به جهت عناد و دشمنی با ائمه اسلام است نه سنت، لازم است که او را تعزیر آشکار نمود تا دست از این کار بردارد...»⁽¹⁾.

احمد بن محمد بن صدیق غماری ازهری (ت 1380) در رابطه با احادیث مهدویت می گوید: «این احادیث متواترند و منکرین آن ها بدعت گذار و گمراه شمرده می شوند»⁽²⁾.

پاسخ به شبهات

اشاره

اینک بعد از تحقیق درباره احادیث مهدویت و تثبیت جایگاه آن ها به سراغ شبهات مخالفین رفته و از آن ها پاسخ خواهیم داد:

شبهه اول: عدم تخریج مسلم و بخاری

از جمله جهات انکار مهدویت از سوی برخی از اهل سنت این است که بخاری و مسلم هیچ یک از احادیث مهدویت را در صحیح خود نیاورده اند و این به نوبه خود سبب وهن و ضعف این روایات است.

شیخ محمد ابوزهره می گوید: «اهل سنت درباره ظهور مهدی در آخرالزمان سخن گفته اند: برخی این عقیده را قبول کرده و در کتاب های عقاید آورده اند. این مسأله در برخی از کتب روایی همچون سنن ابی داوود، ترمذی، نسائی و ابن ماجه آمده است، ولی در صحیحین، صحیح بخاری و صحیح مسلم، از آن یادی به میان نیاورده است. علمای حدیث



در سندهای این روایات سخن گفته و آن ها را تضعیف نموده اند، و لذا می گوئیم: این مسأله عقیده ثابت نزد اهل سنت نیست».(3)

ص: 76

1- 207. البرهان، ص 178.

2- 208. المهدی المنتظر، غماری، ص 5.

3- 209. الامام الصادق علیه السلام، ابوزهره، ص 238 - 239.

احمد امین مصری نیز می گوید: «از افتخارات صحیح بخاری و صحیح مسلم آن است که این احادیث در آن ها رسوب نکرده است، گرچه در غیر این دو کتاب از کتاب های حدیث وارد شده است».(1)

سعد محمد حسن،(2) حسین سائح لیبیایی مغربی،(3) سید محمد رشید رضا،(4) و شیخ بن محمود(5) نیز هر کدام این اشکال را با تعبیرات مختلف در کتاب های خود نسبت به احادیث مهدویت آورده اند.

پاسخ

جالب توجه این که از خود اهل سنت شدیداً به مقابله با این شبهه پرداخته و اشکال را دفع نموده اند:



دکتر بستوی می گوید: «اینان گمان می کنند که بخاری و مسلم احادیث مهدویت را به جهت ضعف در اسنادشان نقل نکرده اند، این گمان باطلی است؛ زیرا این دو به تمام احادیث صحیح احاطه نداشته اند و هرگز ادّعی چنین امری را نیز نکرده اند».

بخاری می گوید: «آنچه را در کتاب خود «الجامع الصحیح» آورده ام صحیح است ولی چه بسیار احادیث صحیح السندی را که به جهت طولانی شدن کتابم نقل نکردم».(6)

ص: 77

1- 210. المهدی و المهدویّه، احمد امین، ص 41، ضحی الاسلام، ج 3، ص 277.

2- 211. المهدیهفی الاسلام، سعد محمد حسن، ص 69.

3- 212. تراثنا و موازین النقد، 185 - 187.

4- 213. تفسیر المنار، ج 9، ص 499.

5- 214. لامهدیّ ینتظر بعد الرسول خیر البشر، ص 6 و...

6- 215. مقدمه ابن الصلاح، ص 21 و 22.

مسلم می گوید: من تمام احادیث صحیح نزد خود را در این کتاب - صحیح - خود نیاورده ام، بلکه در صدد آن بوده ام که تنها احادیثی را ذکر کنم که اجماعی است.(1)

حاکم نیشابوری می گوید: بخاری و مسلم حکم به عدم صحت احادیثی که در کتابشان نیامده نکرده اند.(2)

ابن قیم جوزیه می گوید: «آیا هرگز بخاری گفته است: هر حدیثی را که من در کتابم وارد نساختم باطل بوده و غیر حجت و ضعیف است؟ چه بسیار احادیثی را که بخاری به آن ها در



غیر صحیح خود احتجاج نموده ولی در (صحیح) نیاورده است. و چه بسیار احادیثی که در غیر این کتاب (الجامع الصحیح) تصحیح نموده ولی در این کتاب نیاورده است.

عبدالمحسن بن حمد العباد، استاد دانشگاه مدینه منوره می گوید: «حدیث صحیح همان گونه که در صحیحین موجود است در غیر این دو از کتاب های حدیثی نیز امثال: موطأ مالک، صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبان، مستدرک حاکم، جامع ترمذی، سنن ابی داوود، نسائی، سنن ابن ماجه، سنن دارقطنی، سنن بیهقی، و دیگر کتب نیز موجود است، و این امری در نهایت وضوح است. (3)

مضافاً این که چه کسی گفته بخاری و مسلم توجهی به روایات مهدویت به طور عموم نداشته اند؟ این حرف باطلی است؛ زیرا این دو برخی از احادیث

ص: 78

1- 216. پیشین.

2- 217. مستدرک حاکم، ج 1، ص 2.

3- 218. الامام المهدی عند اهل السنه، ج 2، ص 445، به نقل از او.

مربوط به خروج حضرت مهدی علیه السلام را ذکر کرده اند:

1 - احادیث خروج دجال

بخاری در (صحیح) به سندش از حذیفه نقل می کند که از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود: «همانا با دجال هنگام خروج، آب و آتش است، آنچه را که مردم



آتش می بینند آب گوارا است، و آنچه را که آب گوارا می بینند آتش است که می سوزاند. هرکس که آن زمان را درک کرد باید در چیزی درآید که آتش می بیند؛ زیرا آن در حقیقت آب گوارا است.»⁽¹⁾

مسلم در (صحیح) احادیث بسیاری را در باب خروج دجال از طرق مختلف ذکر کرده است.⁽²⁾

ابن حجر عسقلانی با نقل کلامی از آبری در تواتر احادیث مهدی علیه السلام، قصه دجال را به خروج حضرت مهدی علیه السلام ارتباط می دهد و می گوید: «اخبار به حدّ تواتر از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره مهدی علیه السلام وارد شده که او از اهل بیت علیهم السلام پیامبر است، هفت سال مالک زمین خواهد شد، آن را پر از عدل و داد خواهد نمود، و همانا عیسی علیه و الصلاه و السلام ظاهر خواهد شد و او را در کشتن دجال مساعدت خواهد نمود...»⁽³⁾

ابن حجر هیتمی نیز همین عبارت را از آبری نقل کرده است.⁽⁴⁾

ص: 79

1- 219. صحیح بخاری، ج 4، ص 205، کتاب الانبیاء، باب ما ذکر عن بنی اسرائیل.

2- 220. المنهاج فی شرح صحیح مسلم، ج 18، ص 23 و 58 و 78.

3- 221. تهذیب التهذیب، ج 9، ص 125، ح 202.

4- 222. الصواعق المحرقة، ص 165.



بخاری به سند خود در (صحیح) از ابی هریره نقل کرده که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «قسم به کسی که جانم به دست اوست نزدیک است که فرزند مریم در حالی که حاکم عادل است فرود آید، صلیب را شکسته و خوک را می کشد و جزیه قرار می دهد. به حدی به مردم مال می دهد که هیچ کس قبول نمی کند تا جایی که یک سجده بهتر است از دنیا و آنچه در آن است...» (1)

این حدیث را مسلم نیز نقل کرده است. (2)

بخاری نیز به سند خود از ابی هریره نقل کرده که پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: «شما در چه حالی به سر می برید زمانی که عیسی فرزند مریم در میان شما فرود خواهد آمد در حالی که امام شما از میان شماست» (3)

همین تعبیر در صحیح مسلم نیز وارد شده است. (4)

مقصود به امام در این روایات کسی جز امام مهدی علیه السلام نیست.

ابن ابی شیبه از ابن سیرین نقل می کند که گفت: «مهدی از این امت است و اوست که امامت بر حضرت عیسی بن مریم خواهد نمود» (5)

همین مضمون نیز از عبدالله بن عمر وارد شده است. (6)

حذیفه از رسول خداصلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: «مهدی مورد التفات واقع



- 1- 223. صحیح بخاری، ج 4، ص 204، باب نزول عیسی بن مریم.
- 2- 224. صحیح مسلم، ج 1، ص 135، ح 242.
- 3- 225. صحیح بخاری، ج 4، ص 205، باب نزول عیسی بن مریم.
- 4- 226. صحیح مسلم، ج 1، ص 136.
- 5- 227. المصنّف، ج 15، ص 198، ح 19495.
- 6- 228. الحاوی للفتاوی، سیوطی، ج 2، ص 78.

می شود در حالی که عیسی بن مریم فرود آمده گویا از موهای او آب می چکد. مهدی می گوید: جلو بیا و با مردم نماز گذار. عیسی می گوید: نماز به جهت تو برپا شده است. آن گاه عیسی پشت سر مردی از اولاد نماز می گذارد». [\(1\)](#)

بسیاری از علمای اهل سنت موضوع نزول حضرت عیسی علیه السلام در آخرالزمان را به مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام در همان زمان ربط داده اند، که از آن جمله: علامه مناوی [\(2\)](#)، ابن برهان شافعی [\(3\)](#)، آلوسی [\(4\)](#)، شیخ منصور علی ناصف [\(5\)](#)، و ابن العربی [\(6\)](#) و دیگران می باشند.

با مراجعه به شروح صحیح بخاری از قبیل: فتح الباری، [\(7\)](#) ارشاد الساری [\(8\)](#)، عمده القاری [\(9\)](#)، فیض الباری [\(10\)](#)، و البدر الساری [\(11\)](#) خواهید دید که همگی متفق القول (امام) در این روایات را حضرت مهدی علیه السلام می دانند.



مسلم در (صحیح) به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «در پایان اتمم خلیفه ای خواهد بود که مال می ریزد ریختنی بدون آنکه آن را بشمرد». (12)

ص: 81

-
- 1- 229. پیشین، ج 2، ص 81.
 - 2- 230. فیض القدير، ج 6، ص 17.
 - 3- 231. السیرها الحلبيه، ج 1، ص 226.
 - 4- 232. روح المعانی، ج 25، ص 96.
 - 5- 233. غایها المأمول، ج 5، ص 362.
 - 6- 234. اسعاف الراغبین، ص 145.
 - 7- 235. فتح الباری، ج 6، ص 383.
 - 8- 236. ارشاد الساری، ج 1، ص 419.
 - 9- 237. عمدہ القاری، ج 16، ص 39.
 - 10- 238. فیض الباری، ج 4، ص 44.
 - 11- 239. حاشیه البدر الساری، ذیل حدیث.
 - 12- 240. صحیح مسلم با شرح نووی، ج 18، ص 38.

به همین مضمون و با تعبیرات دیگر نیز در (صحیح مسلم) وارد شده است. (1) با رجوع به کتاب های دیگر پی خواهیم برد که مقصود از خلیفه در این روایات همان حضرت مهدی علیه السلام است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد.



ترمذی به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «همانا در میان اتم مهدی خروج خواهد کرد، پنج یا هفت یا نه سال زندگی می کند. شخصی به نزد او می آید و می گوید: ای مهدی به من عطا کن، او مال بر لباسش به مقداری که بتواند حمل کند می ریزد».(2)

ابن ابی شیبہ نیز به سندش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «مردی از اهل بیت بعد از انقطاعی از زمان و ظهور فتنه ها خروج خواهد کرد که عطای او ریزان است».(3)

تعداد دیگری از محدثین نیز همین مضمون را با تعبیرات گوناگون و طرق مختلف در کتب حدیثی آورده اند و در تمام آن ها شخصی را که مال فراوان می دهد، همان مهدی ذکر کرده اند.

4 - احادیث خسف بیداء

مسلم در (صحیح) به سند خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «شخصی به کعبه پناه می برد، لشکری به سوی او فرستاده می شود، به سرزمین بیداء که می رسند در آنجا فرود می روند».(4)

ص: 82

1- 241. پیشین.

2- 242. الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 59، به نقل از ترمذی.

3- 243. المصنف، ج 15، ص 196، مسند احمد، ج 3، ص 80 و...



4- 244. صحیح مسلم با شرح نووی، ج 18، ص 4.

با مراجعه به احادیث دیگر پی می بریم که (خسف بیداء) یعنی فرورفتن زمین از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام است.

حاکم نیشابوری به سندش از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: «... و خروج می کند مردی از اهل بیت، خبرش به سفیانی می رسد او لشکری از لشکریانش را به سوی او می فرستد، حضرت آنان را متفرق می سازد، آن گاه سفیانی با هر که همراه اوست به حرکت در می آید، و هنگامی که به سرزمین بیداء می رسند در آنجا فرو می روند و غیر از یک نفر که سخنگوی آنان است نجات نمی یابد».(1)

همین مضمون را نیز عده ای دیگر از علمای اهل سنت نقل کرده اند.(2)

شبهه دوم: تقلید در نقل

شیخ عبدالله بن محمود از علمای قطر در ردّ احادیث مهدویت می گوید: «از عادات علمای محدثین و فقهای متقدمین این است که برخی از برخی دیگر حدیثی را تقلیدی نقل می کنند بدون آن که در اسناد آن دقت کنند، و عجب نیست که ببینیم احادیث مهدی این گونه در کتاب های معاصرین منتشر شده باشد، زیرا حدیثی از یک کتاب به صد کتاب منتقل می گردد. یک اشتباه از یک عالم به صد عالم می رسد؛ زیرا همه مردم مقلدند و تنها کمی از آن ها اهل تحقیق و مجتهدند، و مقلد از اهل علم شمرده نمی شود».(3)

ص: 83



- 1- 245. مستدرک حاکم، ج 4، ص 520.
- 2- 246. الحاوی للفتاوی، ج 2، ص 74، مسنداحمد، ج 3، ص 37؛ سنن ترمذی، ج 4، ص 506، ح 2232، عقدالدرر، ص 62، باب 4، مجمع الزوائد، ج 7، ص 313، کنز العمال، ج 14، ص 261، ح 38653 و...
- 3- 247. لامهدی ينتظر بعد الرسول خیرالبشر، ص 8.

پاسخ

در جواب از این توهّم شیخ عبدالمحسن بن حمدالعباد می گوید:

اولاً: ایشان به تمام محدثین امت و قدمای از فقها اهانت کرده و از مقام و شأن آنان کاسته است.

ثانیاً: همان گونه که اشاره کردیم حتی بخاری و مسلم به روایات ظهور اشاراتی کرده اند، و نیز در تمام مصادر حدیثی به این موضوع اشاره شده است، و لذا تقریباً مورد اتفاق امت اسلامی است. حال چگونه می شود چنین مسأله مهم را توهّم دانست.

شبهه سوم: تعارض در احادیث

سیدرشید رضا در تضعیف و تشکیک موضوع مهدویت می گوید: «و اما تعارض در احادیث مهدی اقوی و اظهر است و جمع بین آن ها دشوارتر می باشد... آن گاه از باب مثال: اختلاف در اسم او و این که حسنی است یا حسینی، عباسی است یا علوی، و دیگر جهات را منشأ انکار مهدویت دانسته است»⁽¹⁾.



استاد سائح مغربی می گوید: «می گویند، این احادیث تواتر معنوی دارد. حق خواننده است که سؤال کند: معنای تواتر چیست؟ این احادیث بر معنای خاص اتفاق ندارند، از نسب مهدی شروع می کنیم: برخی روایات به هاشمی بودن او اکتفا کرده اند، و برخی او را از اهل بیت علیهم السلام می دانند، و دسته ای دیگر او را از فرزند فاطمه می دانند، و برخی از اولاد حسن و برخی از اولاد حسین می شمارند. و برخی او را عباسی و برخی فاطمی می دانند».(2)

ص: 84

1- 248. تفسیر المنار، ج 9، ص 499 - 501.

2- 249. تراثنا و موازین النقد، ص 187.

پاسخ

اولاً: اختلاف، طبیعت تفصیل قضایای ثابت است، لذا استدلال به اختلاف تفصیل یک قضیه بر عدم ثبوت آن مغالطه ای بیش نیست؛ و در غیر این صورت نمی توان هیچ مسأله از امور اعتقادی را اثبات نمود، زیرا تمام مسایل و قضایا مورد اختلاف واقع شده است.

دلیل مطلب فوق این است که عموم قضایا دارای دو بعد است: یکی اصل و روح قضیه، دیگری مرتبط به اوصاف قضیه و تفصیل های آن است.

اختلاف در تفصیل قضیه، مستلزم اختلاف در اصل قضیه نیست. قضیه مهدویت نیز از همین قبیل است. اگر در برخی از شؤون جزئی حضرت اختلاف است این مستلزم آن نیست که اصل قضیه زیر سؤال رفته و مورد تردید واقع شود.



ثانیاً: در هر یک از مسایل جزئی مورد اختلاف قول حق به اثبات رسیده و از تردید بیرون آمده است.

شبهه چهارم: وقوع شیعه در سند روایات

برخی گمان کرده اند که احادیث مهدویّت تماماً از جعل شیعه بوده یا لااقل در سلسله سندهایشان کسانی وجود دارند که متهم به تشیع اند، لذا روایات مهدویت قابل قبول نیست...

دکتر عبدالعظیم بستوی بعد از نقل این اشکال در پاسخ از آن می گوید: «خلاصه مطلب این که: معیار در قبول راوی عدالت و ضابط بودن است با قطع نظر از این که عقیده او چیست، مگر آن که از اسلام خارج شده باشد. این روش بسیاری از علمای قدیم و جدید است... آن گاه از علی بن مدینی نقل می کند که

ص: 85

اگر روایات اهل کوفه به جهت تشیع ترک شود کتاب ها خراب خواهد شد یعنی مذهب از هم خواهد پاشید».(1)

او نیز می گوید: «از بحث سابق نتیجه گرفتیم که راوی که متهم به بدعت گذاری است اگر روشن شود به شهادت امامان جرح و تعدیل که او ثقه و ضابط است، روایاتش بنابر قول ارجح قبول می شود. ولی در عین حال مدار در روایات مهدی بر کسانی که منسوب به تشیع اند نیست». یعنی چه بسیار از کسانی که هیچ نسبتی به تشیع ندارند ولی در عین حال این گونه احادیث را نقل کرده اند.



او در آخر می گوید: «تا اینجا به دست آمد که بیشتر روایات ثابت در امر مهدی در سندهایشان شخص شیعی وجود ندارد، و روایاتی که این چنین است غالباً شواهدی از طرق دیگر دارند، لذا شبهه از این جهت زائل می شود».(2)

شبهه پنجم: اعتقاد به مهدویت منشأ انحراف جامعه!!

احمد امین می گوید: «از آثار سوء اعتقاد به مهدویت انقلاب های پیاپی در طول تاریخ مسلمانان است، در هر عصری شخصی یا اشخاصی پدید آمده و با یدک کشیدن نام مهدی منتظر مردم را به سوی خود دعوت نموده و گروهی نیز حرف آن ها را پذیرفته اند و این به نوبه خود باعث مشکلاتی در دول اسلامی شده است...».(3)

ابن محمود قطری نیز می گوید: «واضح است که اعتقاد به مهدی و قول به

ص: 86

1- 250. المهدی المنتظر فی الاحادیث الصحیحه، ص 380.

2- 251. همان.

3- 252. ضحی الاسلام، ج 3، ص 244.

صحت خروج او موجب ضررها و مفاسد بزرگی شده است چه فتنه ها که به وقوع پیوسته و چه خون ها که بر سر این مسأله بر زمین ریخته شد...».(1)

پاسخ



اولاً: شکی نیست که بسیاری از فتنه ها از ناحیه مهدویت نیست بلکه مشکل از ناحیه کسانی است که می خواهند از این عقیده مهم و پربرکت سوء استفاده شخصی کنند. و نیز اشکال از ناحیه کسانی است که جاهل به امر مهدویت و حقایق آن بوده اند. از طرفی دیگر این وظیفه علما و دانشمندان اسلامی است که با روشنگری، مردم را بیدار کرده و جلو این گونه انحرافات را بگیرند.

ثانیاً: تنها راه جلوگیری از پدید آمدن فتنه ها انکار خروج مهدی در آخرالزمان نیست؛ زیرا بعد از ظهور اسلام و پیامبر اسلام نیز چه بسیار از کسانی که ادعای نبوت کردند و با دعوت خود چه بسیار کسانی که به آن ها گرویده و سبب ایجاد فتنه ها و آشوب ها در جامعه اسلامی شدند، آیا می توان به جهت پدید آمدن این فتنه ها اصل عقیده به رسالت را انکار کنیم؟ هرگز چنین نیست.

ثالثاً: وجود مدعیان مهدویت از افراد حيله گر در برخی از زمان ها نمی تواند در احادیث صحیح السند که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده و مورد تأیید قرآن نیز هست، تأثیر گذاشته و آن ها را از اعتبار ساقط کند. لذا باید به این روایات و مضامین آن ها اعتماد نمود و عمل کرد، و اگر کسی در صدد سوء استفاده از آن ها برآمد شدیداً با آن ها به مقابله پرداخت، نه این که احادیث مسلم و صحیح را از اعتبار ساقط نمود.

ص: 87



به تعبیر دیگر: وظیفه ما قبول حق و ردّ باطل است، نه این که حق را به جهت وجود مدعیان دروغین ضایع نمود.

شبهه ششم: اعتقاد به مهدویت، منشأ بی تحرّکی جامعه

برخی می گویند: «از آثار سوء اعتقاد به مهدویت و انتظار ظهور مهدی موعود در جامعه اسلامی آن است که مردم را به توکل بر خدا سوق داده و از عمل و مبارزه باز می دارد، و در نتیجه در صدد برپایی مجتمع اسلامی که عدل گستر و ظلم ستیز باشد، نمی باشند».

پاسخ:

شیخ محمد رضا مظفر در پاسخ به این اشکال می گوید: «معنای انتظار مصلح و منجی (مهدی) این نیست که مسلمانان دست روی دست گذاشته و به انتظار منجی به سر برند بدون آن که آن حضرت را یاری کرده و در راه او جهاد نموده و به احکام خدا عمل کنند، و امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند، بلکه هر مسلمانی وظیفه دارد که وظایف شرعی خود را شناخته و نهایت سعی و کوشش را در یاری به آن ها بنماید...» (1)

و به بیانی دیگر: انتظار مهدی موعود هیچ گاه وظیفه انسان را نسبت به تکالیف خود از آن جمله امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی کند، خصوصاً این که همه این ها به نوبه خود می تواند زمینه ساز ظهور حضرت گردد؛ زیرا برای ظهور باید زمینه سازی کرد که می تواند تربیت صحیح جامعه، زمینه ساز خوبی برای ظهور حضرت باشد. در این زمینه در بخشی جداگانه به آن پرداخته ایم.



1- 254. عقائد الامامیه، ص 337.

سلسله کتب چاپ شده از مؤلف پیرامون مهدویت

1 - تولد حضرت مهدی علیه السلام

2 - امامت در سنین کودکی

3 - امامت و غیبت

4 - غیبت صغری

5 - غیبت کبری

6 - وظایف ما در عصر غیبت

7 - اماکن مقدسه مرتبط با حضرت مهدی علیه السلام

8 - بررسی دعای ندبه

9 - دکترین مهدویت تنها راه نجات بشر

10 - دفاع از مهدویت

11 - فلسفه حکومت عدل جهانی

12 - نظریه پردازی درباره آینده جهان



13 - منجی از دیدگاه ادیان

14 - وجود امام مهدی علیه السلام از منظر قرآن و حدیث

15 - وجود امام مهدی علیه السلام در پرتو عقل

16 - مهدویت و جهانی سازی

17 - قرآن و ظهور حضرت مهدی علیه السلام

18 - علایم ظهور

19 - هنگامه ظهور

20 - حکومت حضرت مهدی علیه السلام در عصر ظهور

ص: 89

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

1 - قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای

2 - قرآن کریم / نیم جیبی (کیفی) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

3 - قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه

4 - قرآن کریم / وزیری (ترجمه زیر، ترجمه مقابل) خط عثمان طه / الهی قمشه ای

5 - قرآن کریم / (وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط نیریزی / الهی قمشه ای

- 6 - کلیات مفاتیح الجنان/عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران
- 7 - کلیات مفاتیح الجنان/(وزیری، جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- 8 - منتخب مفاتیح الجنان/ (جیبی، نیم جیبی) خط افشاری / الهی قمشه ای
- 9 - منتخب مفاتیح الجنان/ جیبی، نیم جیبی) خط خاتمی / الهی قمشه ای
- 10 - نهج البلاغه/(وزیری، جیبی) سید رضی رحمه الله/محمد دشتی
- 11 - صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری/الهی قمشه ای
- 12 - ادعیه و زیارات امام زمان علیه السلام واحد پژوهش مسجد مقدّس جمکران
- 13 - آئینه اسرار حسین کریمی قمی
- 14 - آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی
- 15 - آخرین پناه محمود ترحمی
- 16 - آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات
- 17 - آشنایی با چهارده معصوم (1و2)/شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی
- 18 - آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی
- 19 - آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش
- 20 - ارتباط با خدا واحد تحقیقات



21 - از زلال ولایت واحد تحقیقات

22 - اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

23 - امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش

ص: 90

24 - امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات

25 - امامت و ولایت در امالی شیخ صدوق سید محمد حسین کمالی

26 - امام رضا، امام مهدی و حضرت معصومه علیهم السلام (روسی) آلمات آبسالیکوف

27 - امام رضا علیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی

28 - امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

29 - انتظار بهار و باران واحد تحقیقات

30 - انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری

31 - اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتیاردی

32 - با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی

33 - بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی

34 - بهتر از بهار/کودک شمس (فاطمه) وفائی



- 35 - پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهااردی
- 36 - پرچم هدایت محمد رضا اکبری
- 37 - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و تروریسم و خشونت طلبی علی اصغر رضوانی
- 38 - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و جهاد و برده داری علی اصغر رضوانی
- 39 - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق اقلیت ها و ارتداد علی اصغر رضوانی
- 40 - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و حقوق زن علی اصغر رضوانی
- 41 - پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله و صلح طلبی علی اصغر رضوانی
- 42 - تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- 43 - تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری
- 44 - تاریخچه مسجد مقدس جمکران / (فارسی، عربی، اردو، انگلیسی) واحد تحقیقات
- 45 - تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری
- 46 - تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی
- 47 - تشرف یافتگان (چهار دفتر) میرزا حسین طبرسی نوری
- 48 - جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور
- 49 - چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی



50 - چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

51 - چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله احمد سعیدی

52 - حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی

53 - حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

54 - ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش

55 - خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری

56 - خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی

57 - خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

58 - دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی

59 - داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

60 - داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی

61 - در انتظار منجی (روسی) آلمات آبسالیکوف

62 - در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی

63 - در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای



64 - دفاع از حریم امامت و ولایت (مختصر شب های پیشاور) کریم شنی

65 - دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی

66 - دین و آزادی محمد حسین فهمید نیا

67 - رجعت یا حیات دوباره احمد علی طاهری ورسی

68 - رسول ترک محمد حسن سیف اللهی

69 - روزنه هایی از عالم غیب سید محسن خرازی

70 - زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات

71 - سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی

72 - سخنرانی مراجع در مسجد جمکران واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

73 - سرود سرخ انار الهه بهشتی

74 - سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری

75 - سلفی گری (وها بیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: 92

76 - سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی

77 - سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی



78 - سیمای جهان در عصر امام زمان علیه السلام (دوجلدی) محمد امینی گلستانی

79 - سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه)

80 - شرح زیارت جامعه کبیره (ترجمه الشموس الطالعہ) محمد حسین نائیجی

81 - شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح

82 - صبح فرا می رسد مؤسسه فرهنگی تربیتی توحید

83 - ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی

84 - عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی

85 - عریضه نویسی سید صادق سیدنژاد

86 - عطر سیب حامد حجّتی

87 - عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی

88 - علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات

89 - علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان

90 - غدیر خم (روسی، آذری لاتین) علی اصغر رضوانی

91 - غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

92 - فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی



93 - فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی

94 - فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی

95 - فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی

96 - فرهنگ درمان طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری

97 - فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی

98 - فریادرس حسن محمودی

99 - قصه های تربیتی محمد رضا اکبری

100 - کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات

101 - کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات

ص: 93

102 - کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله/منصور پهلوان

103 - کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی

104 - گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی)

105 - گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی

106 - گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی



- 107 - مام فضیلت ها عباس اسماعیلی یزدی
- 108 - مشکاه الانوار علامه مجلسی رحمه الله
- 109 - مفرد مذکر غائب علی مؤذنی
- 110 - مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی
- 111 - منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله
- 112 - منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی
- 113 - منشور نینوا مجید حیدری فر
- 114 - موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی
- 115 - مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری
- 116 - مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب
- 117 - مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد 13 بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای
- 118 - مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی
- 119 - مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی
- 120 - میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی



121 - ناپیدا ولی با ما / (فارسی، ترکی استانبولی، انگلیسی، بنگالا) واحد تحقیقات

122 - نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله

123 - نجم الثاقب (دو جلدی) میرزا حسین نوری رحمه الله

124 - ندای ولایت بنیاد غدیر

125 - نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی

126 - نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی علیزاده

127 - نگاهی به مسیحیت و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

ص: 94

128 - نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران

129 - نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری

130 - و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی

131 - واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی

132 - وظایف منتظران واحد تحقیقات

133 - ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری

134 - هدیه احمدیه / (جیبی، نیم جیبی) میرزا احمد آشتیانی رحمه الله



135 - همراه با مهدی منتظر مهدی فتلاوی/بیژن کرمی

136 - یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی

137 - یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجّتی

138 - ینابیع الحکمه/عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی

جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی 617، انتشارات مسجد مقدّس جمکران مکاتبه و یا با شماره تلفن های 7253700، 7253340 - 0251 تماس حاصل نمایید.

کتاب های درخواستی بدون هزینه پستی برای شما ارسال می گردد.

سایر نمایندگی های فروش:

تهران: 66939083، 66928687 - 021

یزد: 6246489، 2-6280671 - 0351

فریدونکار: 14 - 5664212 - 0122

ص: 95